

بودند نشان دهنده و خود آقای دامغانی هم آنستکه با ملاحظه فرمودند که از آن بود.

یعنی صورت ظاهرش آهن است حالا ما باینهم آنها را تجزیه کنیم که از چه جنسهائی ترکیب شده اند از روی نداره

مقصود ما اینست که سنگهاییکه در دست مردم است بیارند و با کسر سه عشر از سنگهای جدیدی که دولت ساخته است بگیرند.

این مقصود ما و دولت است حالا این دقتها را بکنیم که فرضاً يك كسی سنگ مسی با وزارت رسیده است چه کند.

اینها يك چیزهای زائد است زیرا در سرتاسر مملکت پنجاه من سنگ مس یافت نمی شود.

مقصود اینست که سنگهای آهنی را بدهند و سنگهای آهنی که دولت ساخته بگیرند و مخصوصاً رعایت آسایش مردم شده است

و حتی گمانیکند دولت مجبور باشد که مقداری هم از طرف خودش با شخص ممد کند

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس - ماده الحاقیه قرائت میشود (شرح فوق خوانده شد)

رئیس - رای می گیریم

آقایانی که ماده الحاقیه را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس تصویب شد

پیشنهاد آقای تدین (باینصورت خوانده شد)

پیشنهاد میکند که کلمه اعشاری بعد از جمله اصناف و اجزاء فرعی اضافه شود

رئیس - تبصره بطوریکه آقای تدین پیشنهاد کرده اند قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

تبصره - دولت می تواند محض سهولت معاملات اجزاء و اصناف فرعی اعشاری برای مقیاسهای وزن تهیه نماید.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین اولاً در اینجا تصور می کند آقایان اعضاء محترم کمیسیون فواید عامه درست دقت فرموده اند و قوتیکه بقانون سیستم مطربك مراجعه شود در هیچکجای این چنین عبارتی یافت نمیشود.

این يك مسئله خیلی واضع است - بنده مقصود آقایان را می دانم چیست ولی این عبارت برای مقصود آقایان کافی نیست

در سیستم متریک اصناف و اجزاء باید دوده بالا برده و دوده پائین بیاید

کلمه فرعی مقصودی را که آقایان دارند و حالاً عرض میکنم تأمین نمیکند ممکنست شما سه درجه اصناف برای طول قائل شوید و آنها را اصلی قرار دهید و درجه چهارم هم برایش قائل شوید و آن درجه فرعی قرار دهید

و همچنین در اجزاء سه درجه بر اصل و يك درجه هم که در مرحله چهارم است درجه فرعی برای آن قائل شوید.

مثلاً ما سنگ را از درم قائل شده ایم حالا آقایان بگویند يك سنگ يادوسنگ و سه سنگ هم داشته باشیم - اسم نیم سنگ یا دوسنگ و سه سنگ اصناف و اجزاء فرعی نیست

باید اینرا بگوئیم دولت در مابین اجزاء و اصناف میتواند اصناف فرعی تهیه کند.

اینترتیب ممکن است و همینطور در سایر جاهام معمول است

مثلاً نیم کيلو و سه کيلو و یازده کيلو گرمی هست

حالا اگر مقصود کمیسیون همین است که عرض کردم عبارت باید عوض شود یعنی نوشته شود بین اجزاء و اصناف دولت میتواند اجزاء فرعی تهیه کند و اینطریق بهتر مقصود را برساند

پس آقایان دقت فرمودند که بنده مقصود را خوب ملتفت شده ام

پس اگر همین عبارتی که نوشته شده است باقی باشد کلمه اعشاری بعد از اصناف و اجزاء لازم است و اگر هم عبارت را تغییر میدهند منظور که عرض کردم باید نوشته شود

مخبر - پیشنهاد آقای تدین در کمیسیون مورد دقت واقع شد

والیه چون آقای تدین همیشه از روی دقت پیشنهاد میفرمایند ما هم دقتهای لازم را در پیشنهاد ایشان کردیم

بنده نمیدانم اصلاً منشا و اشتباه کجا است.

اصلاً مقصود از اصناف و اجزاء اعشاری اینست که در حساب و در داد و ستد از روی اعشاری پیش بیایند و در اینجا این مقصود کاملاً تأمین شده است.

مثلاً فرض کنید قران ما اعشاری است هزار دینار بیک قران است.

اگر یا تصد دیناری یعنی ده شاهی ساختیم برخلاف اعشاری است یا اگر پنجاه دیناری ساختیم برخلاف اعشاری است

خبر حالا اگر مقصود آقایان اینست که فی مابین اصناف و اجزاء هم از روی اعشاری ساخته شود این عبارت را مقصود ما هم تأمین می کند

و اگر هم کلمه مابین را میفرمایند لازم است و با توضیحاتی که آقای تدین دادند بنده دیگر زائد میدانم چیزی عرض نکنم

ولی بمقید کمیسیون کلمه زائدی است و بالاخره همین عبارت کاملاً نظر آقایان را تأمین میکند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده با پیشنهاد کمیسیون موافقم

رئیس - آقای زهیم (اجازه)

زهیم - بنده هم با پیشنهاد کمیسیون موافقم

رئیس - شاهزاده غلامحسین میرزا (اجازه)

غلامحسین میرزا - مقصود کمیسیون همین همان توضیحی است که آقای تدین فرمودند

مقصود اینست که اگر مثلاً دولت خواست پنج کيلو گرمی یا ده کيلو گرمی هم بسازد

حالا اگر عبارت را کافی مقصود نمی دانند بگوروی پیشنهاد میفرمایند کمیسیون هم باید ردولی گمان میکنم این عبارت هم کاملاً مقصود را تأمین میکند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - مقصود دولت و کمیسیون اینست که سنگهای که ساخته میشود بترتیب اعشاری باشد

ولی وقتیکه ما سنگ مس يك تومانی درست کردیم

چه اشکال دارد که سنگ مس سه تومانی و پنج تومانی هم داشته باشیم

این هیچ منافاتی ندارد ما اصول اعشاری را قبول کردیم حالا هم دولت را آزاد میگذاریم که اگر سنگ سه کيلو گرمی یا پنج کيلو گرمی هم خواست درست کند آزاد باشد

هیچ منافاتی هم ندارد والا فرضاً اگر دولت خواست سنگ نیم درم درست کند بگوئیم مطابق اعشاری نیست ما اصول را اعشاری قائل شده ایم حالا سنگ های فرعی هم فرضاً پنج کيلو گرمی یا هفت کيلو گرمی بسازند هیچ مانعی ندارد ببلاده همین ترتیبی که کمیسیون پیشنهاد کرده است با موافقت نظر دولت بوده است و کاملاً مقصود را تأمین میکند

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بنده تصور میکنم نظر آقای تدین تأمین نشده است و بسایستی درست توضیح داده شود تا نظر ایشان تأمین شود

بنده هم کلمه اعشاری اینجا لازم است و با توضیحاتی که آقای تدین دادند بنده دیگر زائد میدانم چیزی عرض نکنم

(اینطور خوانده شد)

منتها اختلافی که اوزان با مقیاسها میتوانند بواسطه کثرت استعمال و باطل دیگر اوزان و مقیاسهای رسمی داشته باشند از اینقرار است

۱- در هر قسم مقیاسهای طول و وزن منتها تفاوتی که پذیرفته میشود اضافه، يك دریا تصد نقصان، يك در هزار

رئیس - مخالفی ندارد؟

(بعضی نمایندگان گفتند: خیر)

رئیس - آقایانی که این قسمت را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد قسمت دوم (بابین طریق خوانده شد)

در هر قسم مقیاسهای پیمانه منتها تفاوتی که پذیرفته میشود اضافه از يك رطل کمتر يك از شصت - نقصان از يك رطل کمتر يك در شصت - از يك رطل بیشتر يك در صد بیست

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده راجع بابین موضوع در کمیسیون هم يك عرضی عرض کردم در قانون نمی توانیم اجازه يك ادنی تغلی را هم بدهیم

البته آقایان تصدیق می فرمایند هر چیز از ابتدا قلیل است بعد تکثیر میشود - بنده اجازه قانونی دادن حساب نشدن این اندازه کم یا زیاد را مخالف البته واقع میشود ولی اجازه قانونی نباید داد و باین جهت بنده پیشنهاد کردم حذف شود زیرا وقتی در قانون اجازه فی الجمله اختلافی داده شود دیگر نمیتوان جلوگیری کرد

بابین جهت بنده مخالفم

مخبر - اولاً اینجا نوشته شده است که حتماً باید این اضافه و نقصان را در سنگها بکنارند مقصود اینست که اگر این اندازه اختلاف پیش آمد اشکالی نداشته باشد

اگر مراجعه فرمائید به مجازاتی که برای مختلف از قانون نوشته شده تصدیق می فرمائید که لازم است این مسئله اینجا ذکر شود که اگر این اندازه اختلاف پیش آمد آن مجازاتها درباره اشخاص اعمال نشود و لازم است این مسئله پیش بینی شود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - رای می گیریم بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است - آقایانی که قسمت دوم را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد - پیشنهاد آقای یاسائی

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در مقیاس وزن اضافه شود من ده هزار درم کنتان خروار سه هزار درم تنه

یاسائی - عرض از وضع این قانون قبول کردن همان سیستم متریک است و ما اینجا تا يك مقدار وزن را معین کرده ایم در صورتی که در دنیا يك چیزهایی هست که با يك اوزان دیگری سنجیده میشوند از قبیل قبال سنگ و اگر بنا باشد با سنگ بخواهند آنرا بکشند اعدادش خیلی زیاد می شود و بنده همانطور که بنده پیشنهاد کرده ام باید يك اوزان دیگری برای سنجیدن این قبیل چیزها معین کرد

حالا یا بهین ترتیب که بنده پیشنهاد کرده ام یا اینکه اسامیش را تغییر بدهند يك اسمی دیگری قائل شوند ولی اینطور که بنده پیشنهاد کرده ام بهتر است من با سه سنگ کمی اختلاف دارد و اینوزن معمول هم هست

مثلاً از فراری که بنده تحقیق کرده ام در توپسکان سه من تبریز را یکمن می گویند و ایند سببی است با همینوزنی که بنده پیشنهاد کرده ام و همینطور در عرض خروار خوب است تن را قرار دهیم که معمول هم هست و اینترتیب هیچ اشکالی هم ندارد و خیلی خوب است

زیرا وقتی که ما کيلو گرم را برای يك وقتی در قانون اجازه فی الجمله اختلافی موردی استعمال میکنیم ضرورت نخواهد داشت که من و کنتال را در يك موارد دیگری استعمال نمایم

دیگر بنده بنظر آقایان است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - متأسفانه بنده با این پیشنهاد کاملاً مخالفم

زیرا ما برای وارد شدن در میدان تمدن اصول مطربك را قبول کردیم ولی دیگر لزومی ندارد که هر چه لغات در اروپا معمول است ما قبول کنیم

ما چه بوزن نیمه نون و کفقال (خنده)

نمایندگان) و اینقبیل لغات را متداول کنیم

برای اینکه اوزان مختلفه مملکت را بصورت واحدی در آوریم بسیار خوب لازم بود که اصول مطربك را قبول کنیم ولی دلیلش ندارد که هر لغتی هم که آنجاها

معمول است ما قبول کنیم

بلاوه ما احتیاجی نداریم

مگر گفتن خروار معصیت است؟

ما باید هر اندازه که محتاجیم قبول کنیم و آنچه را که احتیاج نداریم لزومی ندارد قبول کنیم

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - رای می گیریم کمیسیون نمیتواند قبول کند

رئیس - رای می گیریم آقایان موافقین قیام فرمایند

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشده - پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا

(شرح ذیل خوانده شد)

تبصره - پیشنهاد میکنم این زیاد و نقصان اگر واقع شود حق شکایت کننده را از مد نظر حقوق سلب نخواهد کرد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده عرض میکنم در بین مذاکراتی که شد يك نظر افراط و تفریطی در کار بود

بعضی از آقایان تصور کردند که اگر يك سی ام یا يك شصتم اضافه و نقصان را قائل شوند

ایشترتیب با اصولی که قبول کرده اند منافات دارد در صورتی که منافاتی ندارد و البته از مد نظر مجازاتی که باید در قانون برای مختلف از قانون نوشته شود باید يك حدی برای اضافه و نقصان قرار داد ولی سوء تفاهم نباید بشود که این ترتیب مد نظر حقوقی را از بین نبرند

یعنی ممکن است يك وقتی الماس یا يك چیز قیمتی را بفروشد آنوقت اضافه و نقصان برای يك طرف قابل جزا است

در این صورت حق خریدار با فروشنده از مد نظر حقوقی باقی خواهد بود

حالا که ما از لحاظ مجازات قانون يك پیش بینی هائی میکنیم نباید تصور شود که از نقطه نظر حقوقی هم حق اشخاص از بین خواهد رفت مقصود این است که در مجاس مذاکره میفود مطلب اظهار شود تا اشتباهی واقع نشود عرض این است

اگر آقایان مذاکرات را برای مقصود کافی می دانند که بنده پیشنهاد خود را پس میگیریم والا لازم است این تبصره اضافه شود

مخبر - آقای شیخ الرئیس تصدیق می فرمایند که این قانون را ما از نقطه نظر حقوق و معایب وضع نکرده ایم بلکه عرضی از وضع این قانون این است که برای مردم در مقابل دولت و دولت در مقابل مردم راجع بکم و زیاد اوزان يك تکلیفی معین ندارد

نهایت حسن ظن و اطمینان را هم بدولت داریم بلکه فرض اینست که اسباب زحمت مردم نشود و البته قانونی که وضع می شود برای آسایش مردم است نه برای زحمت مردم

شده باشد

باین معنی که اگر يك وزنی کم و کسر شد چه باید بشود

اما اینکه میفرمائید اگر کسی بخرد از کمداد چه باید بشود

باید آنچه کسر داده است از او بگیرند و بخردار بدهند و ذکر این مطلب با مقصود منافات دارد و از اینجهت لازم نیست که ما در اینجا بپرسیم نه اگر کسی ده سیر یا دو سیر کم داد چه باید بشود؟

ما فقط در اینجا می گوئیم و معتقد می شویم که اگر وزن سنگش کم شد از این حیث مجازاتی متوجه او نیست

رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا

آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

محمد هاشم میرزا - برای اینکه مقصود بنده مدافعت این پیشنهاد را کردم حالا مسترد میدارد

رئیس - قابل توجه نشد

مذاکرات راجع بکلیات است مخالفی ندارد؟

آقای سلطانی

(اجازه)

سلطانی - بنده ماده الحاقیه ای پیشنهاد کردم

(ماده الحاقیه پیشنهادی آقای سلطانی شرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنیم

ماده الحاقیه - اوزان و مقادیری که دولت تهیه می کند نباید بیش از نیم هر سیر قیمت تمام شده اضافه نماید و اوزان و مقادیری که سایرین تهیه می نمایند دولت برای وضع علامت دولتی نباید بیش از نیم عشر از قیمت تمام شده دریافت نمایند

رئیس - آقای سلطانی (اجازه)

سلطانی - بنده در شور اول و دوم این پیشنهاد را کردم و بعضی مذاکرات هم کردم و در مجلس هم قابل توجه شد و نمی دانم از چه نقطه نظر در کمیسیون قابل توجه شد

بنده در خارج هم که آقای مخبر راجع با بنده الحاقیه مذاکره کرده فرمودند همین ندارد

ولی هیچ معلوم می شود که در کمیسیون مورد مذاکره نشده و بنده عقیده دارم که این ماده بقانون الحاق شود و این مسئله هم ربطی بصن ظن و توسعه صن بدولت ندارد

نهایت حسن ظن و اطمینان را هم بدولت داریم بلکه فرض اینست که اسباب زحمت مردم نشود و البته قانونی که وضع می شود برای آسایش مردم است نه برای زحمت مردم

خوب اگر دولت گفت سنک بیست
مقالی يك تومان وسنك يك منی پنج تومان
چه مانی دارد ؟
ایست که بنده اینطور بیستهاد کردم
وامیدوارم آقایان مورد توجه قرار دهند تا رای
قطعی بشود
مخبره علت اینکه این بیستهاد آفادر
کسیون قابل توجه نشد
این بود که کمسیون نیخواست دولت
اصلا اضافه بگیرد بلکه ما اینطور عقیده
داریم برای اینکه ای قانون اجراه و عملی
شود لازم است دولت مقداری هم ضرر
کند
حالا چنانچه ای بیستهاد می فرماید که
نیم عشر دولت صرفه ببرد ؟
چون ما دلیلی برای این نیم عشر
صرفه نیدیم از اینجهت در کمسیون قابل توجه
نشد
رئیس- رای می گیریم بقابل توجه
بودن این ماده العاقبه
آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(چند نفری قیام کردند)
رئیس- قابل توجه شد
در کباب متغلی نیست ؟
بعضی از نمایندگان - خیر
رئیس- رای گرفته می شود به مجموع
لایحه که مشتمل بر ایزده ماده است آقایانی
که موافقت قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام کردند)
رئیس- تصویب شد
قانون سجد احوال مطرح است .
مواد ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ که شراجه
شده بود یک- یون رایرتش حاضر است ماده
بهم قرائت می شود
(بشر ذیل قرائت شد)
ماده ۹ - از تاریخ تأسیس شعب سجد
احوال در هر محل پدر ودر غیاب او مادر
در مواد تولد و شوهر در مورد ازدواج و
طلاق باید منتهی در ظرف ده روز از تاریخ
وقوع تولد یا ازدواج و یا طلاق را با شهادت
دو نفر که هویت آنها از طرف نظمی با حکومت
یا کدخدای محل تصدیق شده باشد بمأمور
سجد احوال اطلاع دهند
رئیس- آقای تهرانی
(اجازه)
آقا شیخ محمد علی تهرانی - عرضی
ندادم
رئیس- آقای تدین
(اجازه)
تدین- بنده ند کرأ عرض میکنم در
جلسه اسبق ماده ۹ مطرح شد و مذا کرات
در او کافی شد
چون عده برای رای گرفتن کافی نبود
از اینجهت ماند
رئیس- رای گرفته می شود بماده هم
آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام کردند)

رئیس- تصویب شد
ماده دهم
(بشر ذیل خوانده شد)
ماده ۱۰ - در مورد فوت دادن اطلاع
بمأمور سجد احوال باید در ظرف ۴۸
ساعت بعمل آید - دادن این اطلاع بعهده
دو نفر از نزدیکترین اقربای ذکور شخص
متوفی و در صورت نبودن اقرباء ذکور به
عهده دو نفر از نزدیکترین همسایگان او
می باشد و هر گاه کسی در منزل دیگری فوت
کرده دادن اطلاع بعهده کسی است که
فوت در منزل او واقع شده است و در مورد
اشخاصی که دارای منزل ثابت است و اقرباء
نیستند اطلاع دادن بمأمورین نظمی
است
رئیس- آقای سلطانی
اجازه
آقا شیخ محمد علی طهرانی - وضعیت
این ماده طوری است که اسباب اشکال و
زحمت خواهد بود زیرا اقابا س طرف منزل
انسان همسایان است و در این ماده می نویسد که
دو نفر از همسایگان مکلفند رایرت دهند
و این معلوم نیست مقصود همسایه دست راست
است یا دست چپ است یا همسایه شمال یا جنوب
کدام است ؟
دو نفر را ما باین سه نفر مکلف
کردن این يك اجباری است که اسباب
زحمت فراهم خواهد کرد
زیرا خبر نماند وقتی که آنها را نعت
معا که می برند که چرا رایرت ندادند
هر کدام می گویند بعهده من نیست و آن
دیگری رایرت دهد
پس اینطور قانون نوشتن معنی ندارد
بعلاوه همسایه چه تقصیر دارد ؟ و باوجه ربطی
دارد که اینکار را نکند مملکت نظمی دارد
اداره دارد آنها مکلفند که اینکار را بکنند
و رایرت بدهند همسایه بنده که در خانه اش
نشسته چه خبر دارد که آن سر کوچه کسی
مرحوم شده تا رایرت بدهد ؟ یا اگر بنا
شود اینتقد را در قانون بنویسند همسایگان
مکلف خواهند بود که بر روی رایرت بدهند
و حال آنکه اینکار را کدخدای محل و نظمی
باید انجام دهد و همسایه مربوط نیست و او
تقصیری ندارد
زعیم (مخبر کمسیون) - خود آقای
آقا شیخ محمد علی بهتر می دانند که این مسئله
و جواب کفائی دارد و همینقدر که دو نفر از
همسایگان مثلا همسایه دست چپ و راست
خبر دادند دیگر تکلیف از همسایه سومی
ساقط خواهد بود
از اینجهت اشکالی ندارد
رئیس- آقای عطیسی
(اجازه)
عطیسی- عرضی ندارم
رئیس- آقای دست قیام
(اجازه)
دست قیام- شرحی را که آقای مخبر

فرمودند بنظر بنده خیلی فریب بود این واجب
کفائی که فرمودند در غسل میت است نه در
اینکه همسایه مکلف باشد برود خبر بدهد
اگر درست توجه بفرمائید ملاحظه خواهد بود
فرمود که باین ترتیب هم مردم در مقابل
نظمی مشمول خواهند بود .
زیرا مردم مجبور خواهند بود بروند
خبر بدهند که همسایه ما مرده فرض بفرمائید
بنده گرفتارم نمی توانم بروم این رایرت را
بدهم .
تقصیر من چیست که باید مجازات شوم
من باید مجازات شوم برای اینکه همسایه ام
فوت کرده است ؟
این واجب کفائی که آقای مخبر
فرمودند در مورد غسل میت است و باین
سهتی هم نیست .
وقتی کسی ملیت را غسل داد از گردن
دیگران تکلیف ساقط میشود .
اما در اینجا شما همسایه را مکلف می-
کنید که فوت همسایه اش را رایرت بدهد
اولا همانطور که آقای تهرانی فرمودند
ایشان همسایه خیلی دارد همسایه دست راست
است دست چپ باینهمه بالا این تکلیف بگردن
کسی- توجه است ؟
بطوریکه معروف است تا چهل خانه
آن طرف منزل انسان جزو همسایه خواهند
بود .
پس نظمی باید بیاید چهل خانه
از این طرف چهل خانه از آن طرف منزل
متوفی را مشمول قرار دهد و بگوید چرا
رایرت ندادید .
این چیز غریبی است ؟
یا همسایه را نباید هیچوقت مشمول و
مکلف قرار داد .
بله اگر کسی در یکخانه مرده باشد
ممکن است بگویند صاحب خانه خبر دهد
که مثلا فلان آدم در خانه من فوت
کرده .
ولی اینکه همسایه مکلف باشد فوت
همسایه را اطلاع دهد این هیچ موجبی
ندارد .
(جمعی از نمایندگان گفتند
مذا کرات کافی است) و جمعی
گفتند کافی نیست)
رئیس درای می گیریم بکفایت مذا-
کرات آقایانیکه مذا کرات را کافی می-
دانند قیام فرمایند .
(عده قلبی قیام کردند)
رئیس- معلومی شود کفائی نیست
آقای کازرونی
(اجازه)
کازرونی- مخالفم
رئیس- آقای آقا شیخ یعقوب
(اجازه)
آقا شیخ یعقوب- بنده خواستم توجه
آقایان را بیک مسئله جلب کنم و آن این
است که اگر ما انجام این امر را بعهده نظمی

باقی بگذاریم آن وقت در واقع نظمی
اجازه دادیم که همروزه در خانه وارد
شود و از حال مرض یا فوت اشخاص استفسار
کنند .
مسئله فوت يك مسئله است که ما
باید در آن خیلی دقت کنیم در کمسیون
هم در این باب دقت و مذا کرات زیاد شد
تا بالاخره اینطور فرار داده شد و بنده با
این ترتیب مخالفم که این کار را بعهده نظمی
بگذاریم زیرا آن وقت چنانچه مرض شما
بنظمی اجازه می دهیم که روز و شب نصف
شب حق داشته باشد در خانه اشخاص وارد
شده و تفتیش کنند ببینند کسی مرده کسی
نمرده است .
از آنطرف هم مسئله فوت چه از لحاظ
خودش وجه از لحاظ مالیه و سایر ترتیباتی
که باو مترتب است از قبیل ارث و غیره
خیلی اهمیت دارد .
ریک چیزهایی است که تکلیف آنها
در دعا کم رسمی باید معلوم شود .
خوب در این صورت چه باید کرد ؟
اینهم تقریباً يك واجب کفائی است
کسانی که مطلع شده اند رایرت بدهند
از یکطرف قطعاً آقایان موافق نیستند
که نظمی همه روزه شب و روز بجز اشخاص
پر زنده از طرف دیگر قضیه باید بر نظمی
مکشوف شود .
و چنانچه عرض شد صلاح هم نیست که
اختیار آزادی خودمان را بدهیم نظمی
بدهیم خاصه با اخلاق ما که وقتی با هم بگویند
در وسط خیابان راه نروید و از کنار جاده
راه بروید بمان می آید در این صورت با
در نظر گرفتن این جهات چه باید کرد ؟
پس بهتر همین است که اطلاع فوت
را بطوریکه نوشته شده بعهده همسایه که
بموجب قانون اسلام باید از حالت همسایه
خودش مستعصم باشد .
بگذاریم و این همی ندارد .
و اینکه آقای طهرانی فرمودند .
همسایه شدالی- جنوبی- عقبی یا جنوبی-
اینها يك اشکالی است توضیح داده
شود آن همسایه اقرب این کار را
بکنند .
در این قانونی که از همه جهت خیلی
هم مهم است نباید اشکال تراشی کرد و
موافقم که خبر دادن بعهده همسایه باشد .
حالا همسایه دست راست نشد دست
چپ دست چپ نشد همسایه پشت سری بهر حال
جزئیات و متفرعات این قانون در نظامنامه
نوشته خواهد شد .
وزارت داخله در نظامنامه که برای
این قانون انشاء میکنند خواهد نوشت که
متداول همسایه دست راست مکلف خواهد
بود که رایرت بدهد و اگر او مخالف کرد
دیگران خواهند داد و اشکالی ندارد .
رئیس- آقای کازرونی
(اجازه)
کازرونی- مخالفم
رئیس- آقای آقا شیخ یعقوب
(اجازه)
آقا شیخ یعقوب- بنده خواستم توجه
آقایان را بیک مسئله جلب کنم و آن این
است که اگر ما انجام این امر را بعهده نظمی

کازرونی- بنده مخالفم همسایه را در
قانون مکلف کنیم زیرا همسایگان يك
مردمی هستند که مشغول کار و کاسبی خودشان
هستند و نمیتوانند دائما مراقب و مواظب
باشند که کسی مرده و کی زنده است .
ما قانون وضع میکنیم ؟
نظر اخلاقی در اینجا ملحوظ نیست
و چون ممکن است این مسئله اسباب زحمت
و تولید اشکال کند از این جهت بنده عقیده
دارم که آقای مخبر قبول کنند لفظ همسایه از
اینجا حذف شود .
معاون وزارت داخله - آقایان باید
قدری توجه بفرمایند که
اساساً مقصود این است که فوت بداره
سجد احوال اطلاع داده شود .
حالا این فوت ممکن است با اشکال
مختلفه در محللهای مختلفه واقع شود يك
وقت است که يك کسی بحال عادی در میان
هاگه واقوام و در منزل خودش فوت می
کند
تکلیف اینکار در قانون بیش بینی
شده .
يك وقتی يك کسی در موقعیکه در
خانه میماند فوت می کند (البته این
قبیل اتفاقات کمتر واقع میشود ولی بهر حال
در قانون باید پیش بینی کرد
يك وقت يك کسی فریب و تنه است
و فوت میکند .
در صورتیکه اقربای نزدیک هم
ندارد
در اینصورت این فوت را حکمی باید
اطلاع دهد ؟
همین طور که بعضی از آقایان فرمودند
نظمی که نمی تواند از اوای خانهای مردم
هم اطلاعات بدست بیاورد
البته این اطلاعات هم باید بيك
وسايله بداره سجد احوال برسد ثابت
شود .
از این جهت مادر قانون همچو قرار
دادیم که اگر کسی در خانه فوت کرد و
اقربائی هم نداشت اطلاع فوت این شخص بر
عهده همسایه باشد و این هم يك تکلیف
شاقی بر همسایه نیست .
زیرا البته همسایه هم در مقابل همسایه
يك تکالیف و مسؤولیت های دارد و همه
مردم در مورد اجتماعی شریک و سهیمند و
در مقابل هم يك وظائف و تکالیفی دارند
که باید بجا آورند .
ما میخواهیم از وضعیت و زندگی گانی
اشخاص از حیث مرگ و فوت و ازدواج و
تولد و طلاق مطلع و مسبق شویم و از حالت
جامه اطلاع پیدا کنیم
در این صورت اگر کسی با همچو کیفیتی
مرد فوت او را کسی باید اطلاع دهد ؟ از
همسایه نزدیکتر باو کیست ؟
خودش که مرده و زبان ندارد حرف
بزند کسی را هم که ندارد

از این جهت این تکلیف بر عهده
همسایه خواهد بود .
هرانی - آزان اطلاع دهد
معاون وزارت داخله - آزان درس
یست است
اگر کسی در کوچه فوت کند باید آزان
اطلاع دهد
ولی از توای خانه های مردم که آزان
اطلاعی ندارد و عقیده بنده این مسؤولیتی را
که ما برای همسایه قرار داده ایم گرچه خیلی
کم اتفاق می افتد
ولی همی ندارد و ناچار یوتیم ما این
قید را بکنیم
زیرا وسیله بهتر دیگری نداشتیم
و اگر بنا شود این قید را برداریم خیلی از
اوقات اتفاق خواهد افتاد که اطلاعات
فوت بداره سجد احوال داده نخواهد شد
رئیس - آقای غلامحسین میرزا
(اجازه)
غلامحسین میرزا اگر این ماده باین
ترتیب بگذرد چیز غریبی خواهد بود . زیرا
هر کسی مجبور است که شبی يك مرتبه به
خانه همسایه اش برود و ببیند در آنجا کسی
مرده و کی زنده است و این اسباب زحمت
برای مردم خواهد بود .
مخبر- بنده در قسمت مخبری لازم
است نظریات و معتقدات اعضاء کمسیون را
بعرض آقایان برسانم تا بعد از آقایان مخالفین
و موافقین خودشان صحبت بفرمایند در
قسمت اول بنده گمان میکنم جوابی را
که با آقای آقا شیخ محمد علی دادم کافی
بود
ولی حالا نظریه کمسیون را عرض می کنم
البته يك طبقه اشخاصی هستند که با اصطلاح
هوام دستشان بدنهشان میرسد یعنی همیشه
دارای اقربای نزدیک هستند و در خانه
خودشان فوت می کنند .
اطلاع دادن برای این اشخاص هیچ
اهمیت و زحمت ندارد . يك طبقه دیگرند
که ممکن است اقربا و کسانی نداشته باشند
در این مورد البته همسایه چون مطلع است
باید اطلاع بدهد
در درجه سوم ممکن است يك کسی
در خانه دیگری فوت کند در این صورت
البته صاحبخانه یعنی کسیکه در خانه او این
فوت واقع شده باید رایرت بدهد و يك
دسته دیگر هستند که بیچاره ها در معابر و
در کوچه ها فوت می کنند
البته این بر عهده مأمورین نظمی
است که اطلاع دهند این ترتیب طبقه بندی
بود که کمسیون در نظر گرفته بود . البته
تمام هم طبقاتی که در يك جامعه زندگی گانی
میکند بدیهی است که يك تکالیف و وظائفی
نسبت بیکدیگر دارند و اینکه آقای غلامحسین
میرزا فرمودند که اگر این ترتیب تصویب
شود هر کس مجبور خواهد بود که هر شب
برود در خانه همسایه اش و سر کشی بکند

تصویر میکنم این اشکال را برای منزل
خودشان تصور می کردند که چون منزلشان
وسیع است
از اینجهت اگر کسی در همسایگی شان
فوت کند ایشان ملتفت نمی شوند . این
دسته اشخاصی ابتدا احتیاج ندارند که
کسی برود خبر بدهد زیرا اینها اقربا دارند
کس و کار زیاد دارند و تشییع جنازه شان
بفدري منفصل خواهد بود که همه شهر از
مشغله فوت مسجون و مستعصم خواهند شد .
ولی آن اشخاصی که کسی را ندارند در ازای
منزل کوچک هستند البته همسایه باید خبر
بدهد و این وظیفه همسایگی است که مادر
اینجا منظور کردیم و بنده هیچ اشکالی
در این ماده نمی بینم که اگر کسی فوت کرد
و اقربا و نزدیکانی نداشت همسایه اش فوت
او را اطلاع دهد . کما اینکه در درجه سوم
ذکر شده
اگر کسی در خانه دیگری فوت شد
صاحب خانه مکلف است فوت او را اطلاع
دهد . و در درجه چهارم قید شده اشخاصی
که نه خانه و نه زندگانی دارند و ممکن است
در يك بیخوله های فوت کنند نظمی باید
فوت را اطلاع دهد و این اشکالی ندارد .
وزیرالمالیه بنده حالا به قانون مراجعه
کردم .
خواستم از آقایان بپرسم چه توضیح
و تگرانی از این مسئله دارند ؟ فرضاً هم
همسایه نرفت اطلاع بدهد چه مجازاتی
دارد ؟
بنده از مذا کرات همچو استنباط کردم
کردم که بعضی از آقایان آن اهتای کاملی
را که باید باین قانون داشته باشند ندارند
آقایان باید توجه داشته باشند که مسئله
وفات و ولادت و غیره اس اساس زندگانی
اجتماعی است و چون هر چه زندگانی
اجتماعی پایه اش محکم تر شود - بهتر
است چه ضرر دارد که همسایگان هم
خودشان را مکلف بدانند که از زندگانی
همسایه شان مطلع باشند و فوت آنها را
هم بدولت اطلاع بدهند این چه ضرر
دارد؟ يك عاقبت وخیمی که برای آنها
ندارد!
(بعضی از نمایندگان گفتند مذا کرات
و جمعی گفتند کافی نیست)
رئیس- رای میگیریم آقایانی که
مذا کرات را کافی می دانند قیام فرمایند .
(عده قلبی قیام نمود)
رئیس- معلوم میشود کافی نیست .
بعضی از نمایندگان - تناس .
رئیس- میفرمائید انفس بشود ؟
بعضی از نمایندگان - صحیح است .
در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل
و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس- کمسیون ماده ۹ سابق رایش
گرفته و ماده جدیدی پیشنهاد کرده
است

قراوت می بود .
(بعضیون ذیل قرائت شد)
ماده ۹۰ در مورد فوت دادن اطلاع
بمأمور سجد احوال باید در ظرف چهل
و هشت ساعت بعمل آید دادن این اطلاع
بعهده نزدیکترین اقربای ذکور حاضر
شخص متوفی است و در صورت نبودن اقربای
ذکور بعهده دو نفر ساکنین خانه است که
در آنجا فوت واقع شده و هر گاه کسی
در منزل دیگری فوت کرده دادن اطلاع
بعهده کیست که فوت او واقع شده است
و در مورد اشخاصی که دارای منزل
ثابت و اقربا نیستند
دادن اطلاع بعهده مأمورین نظمی
است .
رئیس - آقای دامغانی
(اجازه)
دامغانی- اگر چه حالا همسایه را (که
دولت استرداد کرد است) البته موافقت
اشکالاً از همسایه اش اطلاع داشته باشد
مفصلاً با او امر آگیدی که صادر شده
است در قانون اسلام که همسایه باید اطلاع
از حال همسایه داشته باشد و مخصوصاً مساجد است
که يك تکالیفی را قانون اسلام مقرر
کرده برای همسایه متلا گفته است نزدیک
ترین اشخاصی که مکلف بقلان تکلیف
هستند
بمذاذ ارحام همسایه است و این نقطه
نظر است که دستور داده اند
اگر همسایه ناخوشست عبادتش کنید
و اگر گرسنه است سیرش کنید و غذا باو
بدهید و همراهی کنید .
و خیلی کم اتفاق می افتد که يك
همچو قضیه در خانه واقع شود و همسایه اش
مطلع نشود .
برای اینکه دادو قال و آه و ناله
بلند میشود .
علی ای حال حالا که استرداد کرده
اند بنده هم موافقم و يك توسعه شد بحال
ما همسایه ها که در قانون سجد احوال
مقید و مکلف نباشند .
عرض میکنم قانون کفائی (که آقای
دست قیام اشکال فرمایند)
قانون کفائی نوشته نمیشود و در اینجا
معین نشده است که دو نفر از اقربای ذکور
شخص متوفی در چه حد و چه طبقه باید
باشد .
زیرا ممکن است شخص متوفی اقربای
ذکور در يك درجه و يك طبقه بنسبت مساوی
زیاد داشته باشد
مثلا بکنفر مرده پنج نفر عمو داد
حالا کدامیک از این ه نفر عمو- شولند ؟
دو نفر عمو که بیشتر نباید مشمول
باشد .
این دو نفر که خواهد بود ؟
آیا هر پنج تایی اینها مکلفند یا دو نفر
بطور تغییر میکنند یا اینکه هر کدام را

اداره تشخیص داد مکلفند؛ بنظر بنده باید این دو نفر در اینجا معلوم شود یعنی باید تقدم و تاخر معلوم باشد که اگر کسی مرد مثلا فلان اقرای نزدیک او تقدم دارد بر دیگران یعنی امتداد این تکلیف متوجه با او است و در صورت تعدد مثلا سن را معذرت باشد که هر کدام از آنها که نشان بیشتر است باید اطلاع بدهند و نفر معلوم را مکلف کنند نه دو نفر مجوز را دیگر اینکه کله (دادن اطلاع) بنظر بنده باید اصلاح شود نوشته شود (اطلاع دادن) و این هم يك اصلاح لفظی است برای اینکه اطلاع دادن بهتر از دادن اطلاعات است.

مخبر - آن قسمتی را که راجع به مسایه فرمودند و موافق بودند با اینکه همسایه باشد کمیسیون که تغییر عقیده داد استنباط کرد که اکثریت مجلس موافقت با این تبصره ندارد و این جهت بود که پیشنهاد ثانوی نمود.

اما اینکه راجع بافر با گفته کمیسیون این مسئله حاضر را که در این راپرت ثانوی اضافه کرده برای همین اشکالی که آقا فرموده بود بنده تصور میکنم که این کله (حاضر) مقصود آقا را تأمین میکند.

و بیش از این هم نباید جزئیات را در قانون ذکر نمود فرضاً اگر شخصی متوفی اولاد دارد داشته باشد ممکنست برادر کوچکتر خودش بگوید تو برو اطلاع بده.

این اهمیتی ندارد و گمان میکنم عبارت کافی باشد.

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

ضیاء کافی نیست رئیس - آقای ضیاء آقای ضیاء - پیشنهاد بنده يك قسمتی در کمیسیون مذاکره شده تأمین شده ولی راجع قسمت دومش که صاحب خانه اطلاع بدهد تأمین نشده و هرايشی در آن خصوص دارم که باید عرض کنم.

(پیشنهاد آقای ضیاء بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میشود که ماده قانون سجل احوال بترتیب ذیل اصلاح شود:

ماده ۱۰ در مورد فوت دادن اطلاع بمأمور سجل احوال باید در ظرف چهار و هشت ساعت بعمل آید.

دادن این اطلاع بماده دو نفر از نزدیک ترین اقرای شخص متوفی و در موارد اشخاص که دارای منزل ثابت و اقرار نیستند اطلاع دادن بماده مأمورین نظمی است ضیاء - این پیشنهاد يك قسمت همدار نظر است آقایان را کاملاً تأمین کرده است و فقط قسمت دوم آن در راپرت ثانوی که تقدم

مجلس شده است تأمین نشده و باید بنظر بنده آن قسمت هم تأمین شود که آن راجع باینست که دادن اطلاع بماده صاحبخانه است این فوت یا فوت طبیعی است یعنی يك کسی مهمان بوده است در منزل کسی و اتفاقاً فوت کرده است البته اقرای او یا صاحبخانه اطلاع میدهند.

با همان جریان طبیعی خودش ولی ممکنست که این فرض را کرد که این فوت طبیعی نباشد یعنی يك کسی يك اطای در يك خانه اجازه میکنند و يك رختخوابی در آن اطای میکنند.

چنانچه نظایر آن را دیده ایم و در جرائم خوانده ایم که بسیار اتفاق افتاده است (در وسط آن رختخواب يك کسی است که مرده یا او را کشته اند بعد از پنج روز معلوم میشود که يك جنايتی اتفاق افتاده حلاً مشول کیست؟ این قانون مردم را در زحمت میاندازد زیرا ممکنست بعضی اشخاص دچار استنطاق و تعقیب شوند.

ممكنست دو نفر طر از يك جایی بروند بيك شهری و يك خانه اجازه کنند و در نظر بگیرند که يك صندوق جواهری از خانه کسی یا اندازه يك صرافى ببرند و بعد از این که این قسمت را در نظر گرفتند شب میروند صندوق جواهر را بر میدارند و میروند و در خانه را میبندند و میروند بنا بر این مشول صاحبخانه است که مثلا رفته است شیراز.

برای بدبختی خودش و خانه اش را اجازه داده است مطابق این قانون صاحبخانه را میآورد و او را مشول قرار میدهند و اگر چنانچه مشول فوت را صاحبخانه فراردهیم این اسباب زحمت برای يك عده مردمان بی گناه می شود.

اینست که بنده با این قسمت مخالفم که صاحبخانه مشول دادن اطلاع باشند در هر صورت این دو حال دارد بمطلع می میشود از فوت که اطلاع میدهد و اگر مطلع نشد نظمی خودش باید قضیه را کشف کند و تأمینات اطلاع دهد.

پیشنهاد اینطور تقدیم شده دیگر است بنظر آقایانست رئیس - رای گرفته می شود بقابل توجه بودن قسمت دوم این پیشنهاد ضیاء - ممکنست بنده تقاضای تجزیه کنم.

رئیس - بقسمت دوم رای گرفته می شود.

آقایانی که این قسمت را قابل توجه

میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد.

نظریه آقای بهبهانی هم تأمین شده دیگر لازم بقرائت نیست بهبهانی - بلی رئیس - آقای دست غیب هم همین طور؟ دست غیب - تقریباً بلی رئیس - آقای داور چه طور؟ داور - بنده موافقم رئیس - قرائت بشود؟ داور - خیر

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا چه طور؟ محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد دیگری کردم.

رئیس - آقای حائری زاده و آقای عراقی چه طور؟ حائری زاده - نظر بنده تأمین شده است.

عراقی - نظریه بنده هم تأمین شده است.

رئیس - آقای طهرانى چه طور؟ طهرانى - تأمین شده است.

رئیس - آقای سلطانی هم نظرشان تأمین شده است؟ سلطانی - نظریه بنده هم تأمین شده است.

رئیس - آقای بیات نیستند آقای کازرونی هم نظریه شان تأمین شده است؟ کازرونی - بلی - پیشنهاد ذیل از تقسیم را مسترد میکنم رئیس - آقای دکتر آقایان د کتر آقایان - بنده موافقم با این الحاقی که آنان پیشنهاد کرده اند رئیس - آقای حشمتی - پیشنهاد جناب عالی چه شود شاهزاده حشمتی - پیشنهاد بنده راجع بيك هفته است رئیس - پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد) پیشنهاد میکنم بعد از کليه (اقرایه در هر صورت این دو حال دارد بمطلع می میشود از فوت که اطلاع میدهد و اگر مطلع نشد نظمی خودش باید قضیه را کشف کند و تأمینات اطلاع دهد.

پیشنهاد اینطور تقدیم شده دیگر است بنظر آقایانست رئیس - رای گرفته می شود بقابل توجه بودن قسمت دوم این پیشنهاد ضیاء - ممکنست بنده تقاضای تجزیه کنم.

رئیس - بقسمت دوم رای گرفته می شود.

آقایانی که این قسمت را قابل توجه

باین جهت بنده پیشنهاد کردم که در صورتی که اقرای او اطلاع داشت باشد از فوت او اطلاع بدهند.

مخبر - درین قانون نظر این بوده است که يك اشخاصی برای اطلاع دادن بنده سجل احوال مشول باشند و حالا اگر کله در صورت اطلاع را بگذاریم اصل موضوع مهم میماند زیرا ممکنست هم اطلاع ندهند و بگویند ما اطلاع نداشتیم.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد شاهزاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای کاشانی (بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در ماده مزبوره قید شود (صاحبخانه وقتی باید بخبر بدهد که حاضر باشد

تغلف از این قانون در مواد بعد مجازاتی معین شده بکسی در یکخانه فوت میکند و صاحبخانه در عهده دیگری است و از فوت خبر ندارد آنوقت باید او را در کمیسیون ابرارند و استنطاق کنند و بگویند چرا خبر ندادی از این جهت اگر نوشته شود حاضر باشد رفع نگرانی میشود مخبر - گویا آن قانون را ملاحظه فرموده اند اصلاح مشولیتی برای صاحبخانه در نظر گرفته شده که اسباب نگرانی آقا باشد.

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای کاشانی، آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام کردند) رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای کازرونی (بمضمون ذیل قرائت گردید) بنده پیشنهاد میکنم که از در مورد اشخاص آلی آخر حذف شود رئیس - این را ممکنست وقتی میخواهیم رای بگیریم بطور تجزیه رای بگیریم کازرونی - حالا توضیح میدهم بعد در موقعش رای بگیریم اینجا نشان میدهد که خبری که بنده مأمورین نظمی است فقط درین مورد بخصوص ولی مابقی بعهده مأمورین نظمی است وقتی اگر چنانچه اطلاع بدهند گویا مطابق این قسمت از ماده يك کاری کرده اند که از وظیفه آنها خارج بوده در صورتی که مأمورین نظمی تقیث کنند و رسیدگی کنند و جستجو کنند و این يك تکلیف دائمیست برای آنها

حالا اینجا بگویند در این مورد بخصوص یعنی در مورد اشخاصی که دارای منزل و اقرار نیستند اطلاع دادن بعهده نظمی است و در بانی موارد

مأمورین نظمی وظیفه دار نیستند بنده بنظر می آید که این مسأله يك تکالیفی را که متوجه بمأمورین نظمی است از آنها آن تکالیف را سلب میکنم و این قسمت هیچ ازومی ندارد نوشته شود.

مخبر - يك مسأله است در اینجا که بنده باید برای آقای کازرونی تشریح کنم قانون سجل احوالی که دارد تصویب میشود مقصود ما اینست که يك کسی را مشول اطلاع دادن قرار دهیم علاوه اینجا قانون برای همین وظیفه مأمورین نظمی نوشته نشود

البته مأمورین نظمی خودشان يك وظیفه دارند که در نظامنامه خودشان قید شده است که باید بر طبق آن عمل کنند و مشولیتی را هم که در مورد اطلاع دادن از فوت دارند همین قمریست که اینجاد درین قانون سجل احوال ذکر شده است (پیشنهاد آقای بیات بشرح ذیل قرائت شد) ماده در باره شرح ذیل اصلاح و پیشنهاد مینماید:

ماده ۱۰ در مورد فوت دادن اطلاع بمأمور سجل احوال باید در ظرف چهار و هشت ساعت بعمل آید.

دادن این اطلاع بماده دو نفر از نزدیک ترین اقرای اوست که در منزل او سکنی دارد و هر گاه کسی در منزل دیگری فوت کرده دادن اطلاع بعهده کس است که در اقامت منزل ثابت و اقرار نیستند دادن اطلاع بعهده مأمورین نظمی است بیات - نظریه بنده با این قسمتی را که را که کمیسیون قبول کرده تأمین شده است (پیشنهاد آقای دکتر آقایان بشرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد می کنم که در ماده ده بعد از (منزل ثابت و اقرار نیستند) اضافه شود.

یابکلی در يك منزلی زندگی می کردند بعهده مأمورین نظمی است دکتر آقایان - این ماده بطوری که کمیسیون جدیداً پیشنهاد کرده مشولیت را تقسیم بردو قسمت کرده يکي را واگذار کرده بعهده منسوبین کسی که فوت کرده و يك قسمتش را هم واگذار کرده است به مأمورین نظمی و این قسمتی را که واگذار به مأمورین نظمی کرده بعهده بنده ناقص است بجهت اینکه اگر کسی در مسایگی بنده زندگی می کند و مشول منزل میشود و در منزلش اقرار می کند مشول فوت می کند مشول اینکه تشخیص بدهد و اداره سجل احوال اطلاع بدهد چه کسی خواهد بود.

لنت همسایه را وقتی که برداشته همسایه

که مشولیت ندارد و این آدم بستگانی هم ندارد مثلا غریب بوده حایان ترتیب فوت او با اداره سجل احوال چه کسی با اطلاع دهد در اینصورت هم بعهده بنده تکلیف باید متوجه مأمورین نظمی باشد زیرا این درست همان حالت کسی را دارد که هیچ منزل نداشته باشد فوت میشود مقصود ما اینست که يك کسی را مشول اطلاع دادن قرار دهیم علاوه اینجا قانون برای همین وظیفه مأمورین نظمی نوشته نشود

بنابراین بنده اینطور پیشنهاد کردم که بعد از (منزل ثابت و اقرار نیستند) عبارت (یا يابکلی تنها در يك منزلی زندگی میکردند) اضافه شود مخبر - این را قبول می کنم رئیس - قبول کردید؟ مخبر - بلی رئیس - پیشنهاد شاهزاده حشمتی (بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد می کنم در ماده ده بجای چهل و هشت ساعت يك هفته نوشته شود شاهزاده حشمتی - این مسئله چهل و هشت ساعت برای این است که بمبادا يك وقت يك جنایتی اتفاق بیفتد و اگر اتفاق افتاد در ظرف چهل و هشت ساعت اطلاع داده شود که آثار آن جنایت معلوم نشده باشد و برای این خیال نمی شود که مردم در مضيقه گذارند زیرا مردم در هزاره ها را بطور هادی میبرند آنوقت اینها بازمماندگان دارند و رفت و آمد و مجلس ترحیم دارند حواسشان پریشانست نمی توانند تمام کار هاشان را زمین بگذارند و در آن حال بروند و خبر بدهند و تعیین چهل و هشت ساعت در این ماده ماده موجب میشود که ده هزار نفر در مضيقه واقع میشوند بنا بر این بنده بيك هفته را پیشنهاد کردم.

علاوه در ماده چهاردهم که غسالها را در آنجا مکلف کرده اند باید که بر روند و در ظرف بيست و چهار ساعت اطلاع بدهند یابکلی در يك منزلی زندگی می کردند بعهده مأمورین نظمی است دکتر آقایان - این ماده بطوری که کمیسیون جدیداً پیشنهاد کرده مشولیت را تقسیم بردو قسمت کرده يکي را واگذار کرده بعهده منسوبین کسی که فوت کرده و يك قسمتش را هم واگذار کرده است به مأمورین نظمی و این قسمتی را که واگذار به مأمورین نظمی کرده بعهده بنده ناقص است بجهت اینکه اگر کسی در مسایگی بنده زندگی می کند و مشول منزل میشود و در منزلش اقرار می کند مشول فوت می کند مشول اینکه تشخیص بدهد و اداره سجل احوال اطلاع بدهد چه کسی خواهد بود.

لنت همسایه را وقتی که برداشته همسایه

شاهزاده حیدرقلی میرزا حشمتی آقایانی که پیشنهاد ایشانرا قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد.

(پیشنهاد آقای دست غیب بمضمون ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم عبارت از (و در صورت نبودن اقرایان (و هر گاه) از ماده ۱۰ حذف شود.

دست غیب - نظر بنده تأمین شده (پیشنهاد آقای شریعت زاده بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم عبارت ذیل پرماده ده اضافه شود:

مأمورین امنیه و نظمی حکام و نواب آنها و همچنین کدخدایان قضبات و دهات مکلف هستند فوت اشخاص مسافر را بشبه اطلاعاتی که از هویت او بدست می آورند بوزارت داخله اعلام نمایند و در این موارد وزارت داخله باید بوساطت قضیه مأمورین سجل احوال محل اقامت متوفی و نزدیکترین اقرار او از فوت مطلع سازد.

اعلام فوت با کشته شدن اشخاص در جنگها بمأمورین سجل احوال محل اقامت متوفی یا متوفی وظیفه وزارت جنگ می باشد.

شریعت زاده - اگر چه میدانم با توجه مخصوصی که نمایندگان محترم دارند باینکه کلیه موارد احتیاج در قانون ذکر شود محتاج باین نیست که زیاد در این موضوع توضیح بدهم ولی بازم بنده مناسب نمیدانم يك مختصر توضیح بدهم.

البته آقایان تصدیق دارند که در مورد مسافرت اشخاص يك فوتها اتفاق می افتد که بالاخره باید هر فقدانی معلوم شود تا این نتیجه که از موضوع قانون سجل احوال در نظر آقایان هست تأمین شود باینجهت است و يکي در موضوع جنگ است و يکي در موضوع مسافرت که اشخاص وفات میکنند یا مقتول میشوند و این دو موضوعی که بنده مورد توجه آقایان قرارداد ام.

در قانون سجل احوال هم جایش بینی شده است و يك مأمورینی معین میشوند که بوزارت داخله اطلاع بدهند نسبت با اشخاص که در جنگ کشته میشوند و وظیفه وزارت جنگ است که بمأمورین سجل احوال محل اقامت متوفی اطلاع بدهد و نسبت بمسافرین باید مأمورینی امنیه و نظمی و غیره بوزارت داخله اطلاع دهند و بیش از اینهم توضیح نمی دانم.

معاون وزارت داخله - بکمر تبه دیگر پیشنهاد قرائت شود (مجدداً بشرح سابق خوانده شد) معاون وزارت داخله - در این پیشنهاد يك نکات قابل توجه هست ولی قابل اصلاح است عقیده بنده اینست که هر دو بک کمیسیون

و در آنجا دقت شود رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟ مخبر - اگر ماده الحاقیه پیشنهاد کنند که در آن مذکور شده باشد ارجاع بکمیسیون را قبول می کنم.

شریعت زاده - بنده بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد می کنم.

رئیس - (خطاب بمخبر) بعنوان ماده الحاقیه قبول میکنید؟ مخبر - بلی رئیس - بسیار خوب مراجعه می شود بکمیسیون پیشنهاد آقای طهرانى؟ (بمضمون ذیل قرائت شد) تبصره ذیل را پیشنهاد مینماید تبصره در مورد فوت در مریضخانه یا مهرانخانه دادن اطلاع بعهده مریضخانه یا خانه یا مهرانخانه خواهد بود.

طهرانى - قانون سجل احوال در این مسلك تقریباً تازه محل توجه شده این قانون را هر چه ملاحظه کنیم باز ناقص است.

مهرانخانه در طهران و همچنین در سایر جاها هست که مردم وارد آن مهرانخانه ها میشوند و صاحب مهرانخانه هم نیست و هم چنین آن اشخاص را که میبرند در مریضخانه ها مراجعه کنند و در آنجا میبرند در این دو فرض هیچکس مکلف نیست که برود و اداره سجل احوال راپرت بدهد.

بعقیده بنده آن مباشر مریضخانه و مهرانخانه باید پس از پیدا کردن اطلاع در ظرف چهل و هشت ساعت برود و راپرت بدهد این نظر بنده بود حالا دیگر بنده نظر آقایان است.

معاون وزارت داخله - این موارد جزئی را که در نظر میگیرند البته بی مورد نیست.

ولی بعقیده بنده در قانون اگر بخواهیم وارد تمام این شقوق بشویم خیلی شقوق دارد و توسعه پیدا میکنند برای اجمال قانون يك نظامنامه اداری هم لازم است که این شقوق در آن نظامنامه اداری که طریق عمل را معین میکند باید پیش بینی شود.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای طهرانى را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - پیشنهاد آقای سلطانی (بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم در ماده ده بجای دو نفر از نزدیک ترین همسایگان نوشته شود بهمه فسال است.

سلطانی - حالا شاید این عبارت خوب نباشد.

لهذا بنده عبارت بهتری نوشته ام اینجا نوشته دو نفر از ساکنین خانه.

فرض کنید اگر دو نفر ساکن نداشته

باشد تکلیف چیست؟
 آنوقت معلوم نیست مسئولیت متوجه کی است .
 از اینکه بپند. پیشنهاد کردم تکلیف متوجه قسما باشد .
 مخبر - عبارتی که در ماده چهارده نوشته شده است این نظریه آقا را تأمین میکند و کافی است .
 رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای سلطانی آقاییکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
 (چند نفری برخاستند)
 رئیس - قابل توجه نشد .
 یک پیشنهاد دیگری هم هست که در عوض دادن اطلاع . اطلاع دادن نوشته شود .
 رئیس مخالفی ندارد ؟
 بعضی از نمایندگان - خیر ؟
 (ماده ده مجدداً قرائت شد)
 رئیس - بر حسب تقاضای آقای کازرونی ماده باید تجزیه شود .
 کازرونی - بنده استرداد میکنم رئیس - رأی گرفته میشود بماده ده .
 آقایان موافقین قیام فرمایند .
 (جمعی قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد .
 ماده یازده .
 (بعضی ذیل خوانده شد)
 مأمورین سجل احوال سوادیه با اطلاع نامه را بامضای مجری صیبه و امضای دفتر در مورديکه طلاق مستقیماً از طرف خود زوج واقع میشود اظهار زوج با شهادت دفتر شاهد کافی خواهد بود .
 مأمورین سجل احوال باید خلاصه سواد موز فوق یا اظهار زوج وشهود را در دفتر مخصوص و ورقه هويت زوجین ثبت کنند .
 ثبت قطعی طلاق بعد از آن است که تفكيك قطعی شده باشد و در ثبت ازدواج باید قيد شود که دفعه چندم است نمونه نمره ونمره .
 رئیس - آقای طهرانی
 (اجازه)
 طهرانی - اینجانب میگویم در موقع ازدواج با اطلاع مجری صیبه میرسانند .
 بنده خیلی تاسف میخورم که نماینده دولت موضوع را موقوف کرده با اطلاع بدهد .
 البته هر کس ممکن است نخواهد رأی وقتی که قانون وضع شد برای اینست که مجری بشود و مردم هم باید خودشان را مطیع قانون بدانند و تکالیفی که برایشان معین می شود انجام بدهند .
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی

مینوسد که چون اینکار در مملکت خوب است باید همسایها اینکار را بکنند .
 باید زوج فلان کار را بکنند .
 اگر نکرد چه خواهد شد ؟
 هیچ .
 بنده در اینجا در این دو سه ماده هیچ ندیدم که مواد جزائی برای متخلف از قانون باشد و ثانیاً اینجا نوشته عقده نامه یا طلاق نامه را بامضای مجری صیبه برسانند خوب اگر مجری صیبه نخواست اینکار را بکند و گفت من نمی نویسم در اینصورت مجری صیبه را چکارش میکنید ؟
 میآورند در تحت استنطاق و محکومش میکنند ؟
 یک ماه حبس تأدیبش میکنند ؟
 اینها را باید معلوم کرد .
 والا یک نظامنامه مینویسند که حکم قانون را پیدا خواهند کرد و وقتی که اینطور شد آنوقت زمینه است برای محاکمات جزائی و محاکمات جنحه و جنایت و اشخاصی را حاضر میکنند و از روی آن نظامنامه و قانون با آنها رفتار مینمایند .
 قانون باید یک کیفیت خاصی داشته باشد که معلوم باشد تخلف از این ماده چه مجازاتی دارد .
 ولی این جا ابداً مجازاتی برای متخلفین از قانون پیش بینی نشده است .
 و این جا هیچ الزامی نیست از برای آن کسی که طلاق داده یا ازدواج نموده است یا آن کسیکه مجری صیبه است .
 تا اینکه مکلف باشد مستقیماً بلا واسطه تصدیق اظهارات را با دارا در سجل احوال ارسال دارد .
 خاصه اینکه ما عملاً در تهران از وقتی که قانون سجل احوال بصورت عمل در آمده است .
 خیلی از مجری های صیبه را دیده ایم که گفته اند ما نمی توانیم این کار را بکنیم و نمی نویسم و هیچ چیز هم نبوده است که آنها را ملزم نماید .
 در اینصورت این قسمت ها باید در قانون پیش بینی شود که معلوم باشد معاون وزارت داخله - در ماده بیست و چهارم برای اشخاصی که از انجام تکالیف خودداری می نمایند مجازاتی مقرر شده است .
 در اینصورت این نظر حضرتعالی تأمین شده است .
 اما اینکه مجری صیبه نخواست اظهار نامه را تصدیق کند یا اطلاع بدهد البته هر کس ممکن است نخواهد رأی وقتی که قانون وضع شد برای اینست که مجری بشود و مردم هم باید خودشان را مطیع قانون بدانند و تکالیفی که برایشان معین می شود انجام بدهند .
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی

است .
 (بعضی گفتند کافی نیست)
 رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - اکثریت است .
 آقای شریعت زاده پیشنهاد کرد مانند ولی خودشان حاضر نیستند .
 مخبر - قرائت فرمایند .
 (پیشنهاد مذکور بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده ۱۱ مأمورین سجل احوال مکلف است در مواقع ازدواج سوادیه از عقده نامه و در موقع طلاق سوادیه از طلاق نامه را بامضای مجری صیبه و امضای یک نفر شاهد گرفته ضبط نماید .
 در موردیکه خوداشوهر بدون دخالت شخص ثالث مجری طلاق باشد اظهار مشارالیه و شهادت دو نفر شاهد بوقوع طلاق کافی خواهد بود مأمورین سجل احوال باید خلاصه جریانات قانونی را جمع بازواج و طلاق را با اشاره ب مواد قانونیه مربوطه بآن در دفتر مخصوصی و در ورقه هويت زوجیت ثبت کنند .
 ثبت طلاق وقتی بعمل خواهد آمد که طلاق و تفكيك قطعی شده باشد و در ثبت ازدواج باید قيد شود که دفعه چندم است نمونه نمره ۶ .
 رئیس - آقای شریعت زاده
 (اجازه)
 شریعت زاده - این پیشنهاد بنده در واقع دو قسمت اطلاع است یک قسمت اصلاح عبارتی است و یک قسمت اصلاح مطلبی است و بنده در آنجاهائی که خود زوج مجری صیبه است یک نفر شاهد کافی میدانم و قسمت دیگر هم که مربوط باصلاح عبارتی است .
 مخبر - اینجا که در موقع طلاق یا ازدواج متقدم شده است با اضافه سوادیه عقده نامه یا طلاق باز دو نفر شاهد یا آورد از نقطه نظر استحکام امر بوده است .
 برای اینکه مسئله سجل احوال خاصه این قسمت ممکن است با عراض و نواجیس مردم راجع شود .
 باین جهت بوده است که کمیسیون در نظر گرفته است که هر قدر قادر باشد طوری کند که در آتیه اسباب زحمت برای عاقله مردم فراهم نشود .
 دیگر حالا موضوع یک نفر بسته است بنظر مجلس .
 اما در اصلاح عبارتی هم آنچه بنده فهمیدم چندان باین طوریکه در ماده است فرق نمیکند .
 رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای شریعت زاده را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .
 (عده قلیبی قیام نمودند)

بخود آقا عرض کنم در این مورد مراجعه هم شده است و گمان میکنم با آن اطلاعی که کمیسیون رسیده است عیبی نداشته باشد و ضرری هم بجائی برساند .
 رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای طهرانی آقاییکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد .
 آقای حاج میرزا اسدالله خان (اجازه)
 حاج میرزا اسدالله خان - بنده تقاضا میکنم این جمله هم اضافه شود .
 یاد در موردیکه اظهار زوج بتنهائی کافی است همان اظهار زوج کفایت داشته باشد .
 رئیس - چون این ماده مراجعه میشود ب کمیسیون اگر پیشنهادی دارید بنویسید بدهید ب کمیسیون پیشنهاد آقای آقا میرزا یدالله خان .
 (بعضی ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد می نمایم در ماده یازده صفحه دوم سطر اول شاید حذف شود .
 رئیس - بفرمایند .
 آقای میرزا یدالله خان - در اینجا می نویسم در موردیکه طلاق بدون دخالت شخص ثالث و مستقیماً از طرف خود زوج واقع میشود اظهار زوج با شهادت دو نفر کافی خواهد بود این عبارت حاکی است که طلاق بدون دخالت شخص ثالث صورت میگیرد بنابراین باز ذکر این عبارت دیگر شاعدی لازم نیست .
 رئیس - بفرمایند .
 طهرانی - عرض میکنم این قانون را که مینویسند از برای حفظ آثار و ضمیمه شریعه است و تفکیک در دفتر سجل احوال نوشته شد و این زوج و زوجه واقع شد آن وقت رسماً زوج و زوجه هم واقع شد و رسماً زوج است و زوجه هم زوج است یعنی آثار او بر او مترتب میشود و شرعاً و قانوناً اینجا موافق مذهب امامیه دخالت شخص ثالث حتماً در طلاق باید باشد .
 زیرا ممکن نیست زوج بتنهائی مفروضاً بتواند زوج را طلاق بدهد و دفتر مستمع لازم دارد .
 پس بنابراین اینجا شاهد شاهد اظهارات است نه شاهد وقوع چون آن در شریعه و قانونیه بر این قانون سجل احوال مترتب می شود باید نوشته شود در صورتیکه زوج خورش مطلق باشد باید دو نفر از مستمعین محضر طلاق شهادت بدهند .
 تا آنجا که در مورد زوج و زوجه نسبت بطلاق می خواهم بدست بیاید و بموجب این قانون آن آثار برش مترتب شود .
 مخبر - این قسمت در کمیسیون کاملاً مورد دقت واقع شده و این قسمت تکلیفی داشته است که بنده عاجالتاً توضیح آن را مقتضی میدانم ولی بضمیمه است در خارج

رئیس - بلی ارجاع شد ب کمیسیون ماده سیزده .
 (بعضی آتی خوانده شد)
 ماده ۱۴ قبالات و غسالها باید در ظرف ۲۴ ساعت مأمورین سجل احوال را در صورت امکان کتباً یا شفاهاً از وقوع تولد و فوت مطلع سازند در صورت تخلف از ۲۴ ساعت تا یک هفته و در صورت تکرار از یک ماه شش ماه حبس خواهند شد .
 رئیس - آقای طهرانی
 طهرانی - عرضی ندارم .
 رئیس - آقای شریعت زاده
 شریعت زاده - مخالفتی ندارم .
 بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد .
 رئیس - رأی میگیریم آقایان موافقین باین ماده قیام فرمایند .
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد .
 ماده ۱۸ در کلیه دفاتر سجل احوال اهداد باید با تمام حروف بضمیمه ارقام هندسی نوشته شود و تاریخ شمسی باشد و باناریخ معیری نیز تطبیق شود .
 رئیس - بفرمایند .
 آقای میرزا یدالله خان - در اینجا می نویسم در موردیکه طلاق بدون دخالت شخص ثالث و مستقیماً از طرف خود زوج واقع میشود اظهار زوج با شهادت دو نفر کافی خواهد بود این عبارت حاکی است که طلاق بدون دخالت شخص ثالث صورت میگیرد بنابراین باز ذکر این عبارت دیگر شاعدی لازم نیست .
 رئیس - بفرمایند .
 طهرانی - عرض میکنم این قانون را که مینویسند از برای حفظ آثار و ضمیمه شریعه است و تفکیک در دفتر سجل احوال نوشته شد و این زوج و زوجه واقع شد آن وقت رسماً زوج و زوجه هم واقع شد و رسماً زوج است و زوجه هم زوج است یعنی آثار او بر او مترتب میشود و شرعاً و قانوناً اینجا موافق مذهب امامیه دخالت شخص ثالث حتماً در طلاق باید باشد .
 زیرا ممکن نیست زوج بتنهائی مفروضاً بتواند زوج را طلاق بدهد و دفتر مستمع لازم دارد .
 پس بنابراین اینجا شاهد شاهد اظهارات است نه شاهد وقوع چون آن در شریعه و قانونیه بر این قانون سجل احوال مترتب می شود باید نوشته شود در صورتیکه زوج خورش مطلق باشد باید دو نفر از مستمعین محضر طلاق شهادت بدهند .
 تا آنجا که در مورد زوج و زوجه نسبت بطلاق می خواهم بدست بیاید و بموجب این قانون آن آثار برش مترتب شود .
 مخبر - این قسمت در کمیسیون کاملاً مورد دقت واقع شده و این قسمت تکلیفی داشته است که بنده عاجالتاً توضیح آن را مقتضی میدانم ولی بضمیمه است در خارج

رئیس - بلی ارجاع شد ب کمیسیون ماده سیزده .
 (بعضی آتی خوانده شد)
 ماده ۱۴ قبالات و غسالها باید در ظرف ۲۴ ساعت مأمورین سجل احوال را در صورت امکان کتباً یا شفاهاً از وقوع تولد و فوت مطلع سازند در صورت تخلف از ۲۴ ساعت تا یک هفته و در صورت تکرار از یک ماه شش ماه حبس خواهند شد .
 رئیس - آقای طهرانی
 طهرانی - عرضی ندارم .
 رئیس - آقای شریعت زاده
 شریعت زاده - مخالفتی ندارم .
 بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد .
 رئیس - رأی میگیریم آقایان موافقین باین ماده قیام فرمایند .
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد .
 ماده ۱۸ در کلیه دفاتر سجل احوال اهداد باید با تمام حروف بضمیمه ارقام هندسی نوشته شود و تاریخ شمسی باشد و باناریخ معیری نیز تطبیق شود .
 رئیس - بفرمایند .
 آقای میرزا یدالله خان - در اینجا می نویسم در موردیکه طلاق بدون دخالت شخص ثالث و مستقیماً از طرف خود زوج واقع میشود اظهار زوج با شهادت دو نفر کافی خواهد بود این عبارت حاکی است که طلاق بدون دخالت شخص ثالث صورت میگیرد بنابراین باز ذکر این عبارت دیگر شاعدی لازم نیست .
 رئیس - بفرمایند .
 طهرانی - عرض میکنم این قانون را که مینویسند از برای حفظ آثار و ضمیمه شریعه است و تفکیک در دفتر سجل احوال نوشته شد و این زوج و زوجه واقع شد آن وقت رسماً زوج و زوجه هم واقع شد و رسماً زوج است و زوجه هم زوج است یعنی آثار او بر او مترتب میشود و شرعاً و قانوناً اینجا موافق مذهب امامیه دخالت شخص ثالث حتماً در طلاق باید باشد .
 زیرا ممکن نیست زوج بتنهائی مفروضاً بتواند زوج را طلاق بدهد و دفتر مستمع لازم دارد .
 پس بنابراین اینجا شاهد شاهد اظهارات است نه شاهد وقوع چون آن در شریعه و قانونیه بر این قانون سجل احوال مترتب می شود باید نوشته شود در صورتیکه زوج خورش مطلق باشد باید دو نفر از مستمعین محضر طلاق شهادت بدهند .
 تا آنجا که در مورد زوج و زوجه نسبت بطلاق می خواهم بدست بیاید و بموجب این قانون آن آثار برش مترتب شود .
 مخبر - این قسمت در کمیسیون کاملاً مورد دقت واقع شده و این قسمت تکلیفی داشته است که بنده عاجالتاً توضیح آن را مقتضی میدانم ولی بضمیمه است در خارج

۱-۲-۳-۴-۹-۱۰ برعهده آنها قرار گرفته انجام نمایند از دوازده تا یک هفته در صورت تکرار از هشت روز تا یک ماه بکم محکمه صالحه حبس خواهند شد .
 رئیس - مخالفی ندارد ؟
 جمعی از نمایندگان - خیر .
 رئیس - رأی میگیریم بماده بیست و چهار آقایان موافقین قیام فرمایند .
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد .
 ماده بیست و هفت .
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده ۲۷ مأمورین سجل احوال که در انجام وظایف محوله مرتکب خطا و تقصیر اداری شوند مطابق مقررات قانون استخدام کشوری معاکه و مجازات خواهند شد و خساراتی که در اثر اشتباه یا تقصیر مأمورین مزبور متوجه اشخاص بشود از طرف همان مأمورین باید جبران شود .
 تبصره مأمورین سجل احوال که مرتکب جعل یا تزویر در اوراق سجل احوال شوند مجازات آنها دوبرابر خواهد بود .
 رئیس - آقای طهرانی
 طهرانی - عرضی ندارم .
 رئیس - آقای سلطانی
 سلطانی - بنده با ماده موافقم لیکن در آخر ماده پیشنهاد کرده ام این عبارت اضافه شود .
 (در صورتیکه دارا باشد والا از طرف دولت جبران خواهد شد) بجهت اینکه این مأمورین می شود که چیزی ندارد و یک خسارتی هم که وارد آمده است باید جبران شود و این هم بجهت از خطای مأمورین است و اگر مأمور نداشته باشد باید دولت جبران کند .
 معاون وزارت داخله - وقتی که یک کسی محکوم شد بدادن وجهی یا ادای خسارتی هیچ وقت قبلاً در نظر گرفته نمیشود که این شخص دارد یا ندارد ؟ اگر دارد از او بگیرند و اگر ندارد یک تکلیفی دارد که آن سر جای خودش هست و اما اگر ندارد دولت بدهد .
 رئیس - دکتر آقایان
 (اجازه)
 دکتر آقایان - موافقم .
 رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا
 (اجازه)
 محمد هاشم میرزا - علی ای حال یک قانون عمومی که نوشته می شود برای تأمین حقوق مردم است و این قانون هم که نوشته می شود برای تأمین حقوق و مطلق و عقد و وارث مردمی باید طوری تدوین شود که همه

جهانش محفوظ باشد را باید ملاحظه کرد که فلان مأمور که ماهی بیست تومان حقوق می گیرد اگر خیانتی از او سرزند از کجا دارد جبران نماید ؟
 مردم ؛ فلان شاگرد تاجر یا فلان شاگرد دکان اگر معامله بکنند باعتبار همان تجارتهای آن است این آدم را هم که مردم نمی شناسند باطمینان و اعتماد دولت میروند سجل احوال می گیرند و خودشان را معرفی می کنند .
 بنده باطمینان موسسه دولتی و موسس آن که دولت است می روم سجل احوال میگیریم . بنا بر این عقیده بنده این است که اگر خسارتی وارد بیايد بجهت باید دولت مسئول باشد که بگیرد و بدهد و اگر هم آن شخص مقصود داشت باید خود دولت بدهد والا اگر اینطور عمل نکند موجب سلب اطمینان و اعتماد مردم از دولت میشود .
 بند بچه مناسبت میروم بیک نفر شخصی که هیچ اورا نمی شناسم هويت خود را اظهار کنم ؟
 فقط بصرف اینکه نماینده دولت است میروم اینکار را می کنم و با اطمینان و اعتماد دولت است .
 بنا بر این عقیده بنده اینست که دولت باید عهده دار بشود که اگر خسارتی وارد آمد بگیرد و بدهد و پیشنهادی هم که در این زمینه کرد بودم که بیرون در کرده است .
 و به مجرد اینکه دولت مسئول اشخاص نیست نمیشود این حرف را قبول کرد چطور برای همسایه و برای یک اشخاصیکه هیچوجه من الوجود مسئولیتی متوجه آنها نیست مسئولیت قائم می شوند .
 ولی در اینجا این مسئولیت را از دولت سلب می نمایند تا وقتی راجع ب مردم مذاکره می شود آقای مخبر میفرمایند چون مسئله عمومی است ایده هم مردم شرکت داشته باشند و مسئولیت اشتراکی در بین باشد ولی دولت را می گویند نباید مسئول باشد .
 و در هر صورت بعقیده بنده نمی شود دولت را از مسئولیت مبری کرد .
 ولی باصاف نظر اشخاص دیگر را بدون جهت محمول قرار داد .
 معاون وزارت داخله - این فلسفه را که آقای محمد هاشم میرزا ذکر کردند بنده تصور می کنم منافی با همان مسئولیت دولت باشد .
 برای اینکه دولت يك مسئولیتی را بعهده میگیرد که بتواند انجام بدهد . دولت برای تأمین حقوق عمومی معکف است قانون را اجرا کند . و از همین نقطه نظر است که برای هر موردی يك قانونی وضع میکنند . پس اگر باوجود تمام قوانین قانون استخدام و سایر قوانین و مقررات و فصولی که در این قانون ذکر میشود يك فردی پیدا شد که تقصیر کرده در صورتی دولت هم در اجرای این قانون تصور کرده

باشد چه علت دارد که دولت از عهدت تقصیر
 او بر آید؟
 آقا مصور نیز فرماید اگر این قضیه سابقه
 بشود آنوقت دولت باید تمام مالیه اشرا
 برای جبران خسارت بدهد؟ این بهیچوجه
 منطقی نیست. دولت يك قوانینی را رعایت
 می کند و بوضع اجرا میگذارد.
 افراد هم هر کسی مسئول عمل خودش
 است در مقابل کارش و البته اشخاص چه خسارت
 منتهی وجه خسارت مادی وارد بیآورند
 بعکم محکم باید مجازات شوند.
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 (اجازه)
 آقا سید یعقوب - موافقم.
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی
 است.
 (بعضی گفتند کافی نیست)
 رئیس - می گیریم بکفایت مذاکرات
 آقایان موافقین فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - اکثریت است. پیشنهاد آقای
 سلطانی.
 (بعضی ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد می کنم که در آخر ماده
 ماده ۲۷ اضافه شود در صورتیکه دارا باشد
 والا از طرف دولت جبران خواهد شد.
 رئیس - آقای سلطانی
 (اجازه)
 سلطانی - بنده ناچارم مختصر توضیحی
 عرض کنم. می فرمایند دولت نمی تواند
 این وظیفه را عهده دار شود دولت غیر از
 ملت نیست.
 ملت هم غیر از دولت نیست. البته
 ملت که پول می دهد برای رفع حوائج خودش
 است.
 در مصارف زکوة هم يك موردی که
 معین شده این است کسانی که قرض دارند و
 نمی توانند قرض خودشان را بدهند از مال
 زکوة میشود بآنها داد که قرض خودشان
 را بدهند.
 اینها يك چیزهایی است که اگر
 خسارتی متوجه کسی شد دولت باید از
 بیت المال بدهد دولت مال خودش که
 نیست مال ملت و مردم است اگر
 خسارتی وارد شد باید دولت بدهد زیرا همان
 مأمور خود دولت است.
 بنده عقیده ام اینست که این عبارت باید
 باشد و الا هر مأموری که خسارتی وارد می آورد
 و بعد هم ادعای افلاس میکند و يك خسارت
 هنگفتی ب مردم خورده و بدون نتیجه
 میانند.
 معاون وزارت داخله - بنده اگر چه
 جواب آقایان را عرض کرده ام ولی يك
 نکته را هم باید اضافه کنم و آن این است که
 اگر در قانون هیچوقیدی بشود راجع به
 مسئولیت دولت این در واقع اجازه و تسهیلی
 است که مأمورین بهیچوجه وقت در کارهای

خودشان نکنند.
 زیرا هر خسارتی که ب مردم وارد
 بیآورند عمدا یا سهواً میبایستی برایشان تدارک
 خودشان که جبران نمی کنند بعهده دولت
 است و این قسمت را هم که عرض کردم بنده
 موید دلائل سابق الذکر خودم فراموش نمی
 باشم عرض میکنم که بهیچوجه دولت
 نمی تواند با این پیشنهاد موافقت نماید.
 رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل
 توجه می دانند قیام فرمایند.
 (هد کمی برخاستند)
 رئیس - تصویب شد. رأی می گیریم
 بماده ۲۷ آقایان موافقین قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه
 پیشنهاد آقای تدین.
 (باین مضمون خوانده شد)
 ماده ذیل را بعنوان ماده الحاقیه
 پیشنهاد می نماید.)
 ماده الحاقیه - در موردیکه تولد در
 کشتی واقع شود پدر ودر نبودن او مادر
 مکلف است تولد را فوراً بناخدای کشتی
 یا قائم مقام او اطلاع داده پس از آن تصدیق
 بگردد و آن تصدیق را در اولین بندر ایران
 یا بندر خارجه که نماینده ایران در آنجا
 باشد بضمیمه اظهارنامه بمأمور دولت داده
 و رقه هویت تحصیل نماید.
 مقرر - قبول می کنم.
 رئیس - قبول می کنید؟
 مخبر ملی.
 رئیس - آقایان کازرونی
 (اجازه)
 کازرونی - در صورتیکه بنا باشد جمیع
 مواضع اتفاقیه را در نظر بگیریم باید فراموش
 نکنیم که این قضیه برای مکاری ما هم
 اتفاق می افتد که مسافریشان یا می میرند یا
 وضع حمل می کنند و بلاوه ما قریباً لایحه
 راه آهن می گذرانیم و هیچوقت موارد دیگر
 هم ممکن است اتفاق بیفتد و اگر بنا
 شود که ما این قبیل
 اتفاقات در کشتی را هم تکلیفی برایش
 معین کنیم (در صورتی که غالباً مسافرت های
 دریائی از حدود ما خارج است) اولی
 این است که برای راه آهن و مکاری هم يك
 تکلیفی در نظر بگیریم
 زیرا باید به حال طبیعی خودشان
 گذاشت یا با جمیع موارد اتفاقیه را در نظر
 گرفت
 رئیس - آقای تدین
 (اجازه)
 تدین - بنظر بنده این موضوع یکی از
 موضوعات مهمه است و باید این نظر مورد
 توجه آقایان واقع شود زیرا مملکت ما از
 در طرف منتهی بدریا می شود و البته
 امیدواریم در آتی هم خودمان دارای کشتی
 های زیاد بشویم

مسئله راه آهن را ندیده مقایسه کرد
 با کشتی زیرا بالاخره او در هر ساعتی که
 می رود يك آبادی میرسد یا همان توینگاه
 های خودش میرسد و بلاوه در خط آهن
 مأمورین دولتی هست اینرا نمی شود مقایسه
 کرد با کشتی
 رئیس - رأی گرفته می شود بر مخصی
 يك هفته آقای پیری خان زنکنه. آقایانی که
 تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 آقای میرزا رضا خان افشار نماینده
 معترم بواسطه عارضه مرض ساینک هر ق-
 قیام فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد. پیش نهاد آقای
 یاسانی
 (بترتیب ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد می کنم ماده ۵۵ قانون
 سجل احوال که تصویب شده تقض و ملغی
 گردد
 رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا
 (اجازه)
 محمد هاشم میرزا - در آنجا نوشته بودند
 که اگر لقب داشته باشد اگر داشت البته
 خواهد کت و اگر نداشت نخواهد کت
 (همه باین نمایندگان)
 محمد هاشم میرزا - توجه بفرمایند
 القاب موجوده بر فرض لغو شده باشد هیچ
 مانع از این نیست بعد يك کسی دارای يك
 لقب تازه ای بشود
 (همه بنمایندگان)
 محمد هاشم میرزا - آقایان
 بگذارید حرفم را بزنم اگر خارج از
 موضوع است آقای رئیس باید جلو گیری
 کنند
 ممکن است يك کسی لقب داشته باشد
 و بعد ما بیاید اینجا متوطن بشود و هیچ لازم
 نیست این تارخ حذف شود و بالاخره القاب تقض
 شده هیچ مانع این نیست که القاب تازه داده
 شود
 رئیس - آقای کازرونی
 (اجازه)
 کازرونی - بنده هم مخالف بمذاز
 يك موافق عرض میکنم
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات
 کافی است
 رئیس - آقایان مذاکرات را کافی
 می دانند؟
 جمعی از نمایندگان - بلی کافی
 است
 رئیس - رأی گرفته می شود بالقاء
 ماده ۵۵ آقایان موافقین قیام فرمایند
 (هد قلیلی قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 چند فقره خبر از کمیسیون مخصی
 وسیده است باید قرائت شود
 (شرح ذیل خوانده شد)
 آقای پیری خان زنکنه بواسطه قضیه

خبر فوت صبیبه شان بوسیله آقای میرزا
 عبدالله خان معتمد تقاضای يك هفته مرخصی
 نموده بودند چون کمیسیون مذاکرات
 موجه دانسته مرخصی ایشان را تصویب
 می نماید.
 رئیس - رأی گرفته می شود بر مخصی
 يك هفته آقای پیری خان زنکنه. آقایانی که
 تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 آقای میرزا رضا خان افشار نماینده
 معترم بواسطه عارضه مرض ساینک هر ق-
 قیام فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد. پیش نهاد آقای
 یاسانی
 (بترتیب ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد می کنم ماده ۵۵ قانون
 سجل احوال که تصویب شده تقض و ملغی
 گردد
 رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا
 (اجازه)
 محمد هاشم میرزا - در آنجا نوشته بودند
 که اگر لقب داشته باشد اگر داشت البته
 خواهد کت و اگر نداشت نخواهد کت
 (همه باین نمایندگان)
 محمد هاشم میرزا - توجه بفرمایند
 القاب موجوده بر فرض لغو شده باشد هیچ
 مانع از این نیست بعد يك کسی دارای يك
 لقب تازه ای بشود
 (همه بنمایندگان)
 محمد هاشم میرزا - آقایان
 بگذارید حرفم را بزنم اگر خارج از
 موضوع است آقای رئیس باید جلو گیری
 کنند
 ممکن است يك کسی لقب داشته باشد
 و بعد ما بیاید اینجا متوطن بشود و هیچ لازم
 نیست این تارخ حذف شود و بالاخره القاب تقض
 شده هیچ مانع این نیست که القاب تازه داده
 شود
 رئیس - آقای کازرونی
 (اجازه)
 کازرونی - بنده هم مخالف بمذاز
 يك موافق عرض میکنم
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات
 کافی است
 رئیس - آقایان مذاکرات را کافی
 می دانند؟
 جمعی از نمایندگان - بلی کافی
 است
 رئیس - رأی گرفته می شود بالقاء
 ماده ۵۵ آقایان موافقین قیام فرمایند
 (هد قلیلی قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 چند فقره خبر از کمیسیون مخصی
 وسیده است باید قرائت شود
 (شرح ذیل خوانده شد)
 آقای پیری خان زنکنه بواسطه قضیه

استفاده از حقوق؟ بنابراین این اصل را
 اگر مجلس قبول بکند آنوقت فرادر کس
 این تقاضا را بکند مجلس هم باید برای بدهد
 بنده از این نقطه نور عرض می کنم حالا اگر
 عنوان دیگری باشد آن موضوع علیحده ای
 است ولی نقطه بدلیل اینکه می خواهد بامور
 شخصی رسیدگی کند نمی شود
 رئیس - آقای سر کشیک زاده
 (اجازه)
 سر کشیک زاده - بنده اجازه ام را
 بآقای دادگروا گذار می کنم
 رئیس - آقای دادگرو
 (اجازه)
 نظام التولیه - اجازه می فرمایند
 رئیس (خطاب بآقای دادگرو) - آقا
 تأمل بفرمایند آقای مخبر توضیح بدهند
 نظام التولیه - ماده نظام نامه ای که
 در این خصوص هنوز تهیه نشده و از این قبیل
 اجازه ها هم تاکنون خیلی داده شده و تا زکی
 ندارد. آذربایجانهم البته راهش در راست
 نزدیک کت نیست و آقایان نمایندگان محترم هم
 ماشاءالله خیلی هستند بنابراین اشکالی ندارد
 رئیس - آقایانی که مرخصی سه ماهه
 آقای امامی را از یازدهم خرداد تصویب می
 فرمایند قیام فرمایند
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد. برای دستور
 جلسه سه شنبه پیشنهاد های رسیده است قرائت
 می شود
 (شرح ذیل قرائت شد)
 پیشنهاد آقای اعتبار - بنده پیشنهاد می
 کنم خبر کمیسیون بودجه راجع به مستمریات
 پست و تلگراف در درجه اول جزو دستور شود
 رضوی - بنده مخالفم
 رئیس - بفرمایند
 رضوی - بانقضیه ای که بنده در اول
 جلسه دادم و آنظوری که آقای فاطمی اظهار
 فرمودند گمان می کنم آن لایحه ارتعاش این
 لایحه مقدم تر است. قانون میزبانی بقیه
 بنده اول قانونی است که باید در این مملکت
 معمول و معری شود تا تکلیف مالیات بدهما
 و تکلیف بودجه مملکتی معلوم شود از این
 جهت است که بنده مقدم آن لایحه مقدم تر
 است
 رئیس - آقای اعتبار الدوله
 (اجازه)
 اعتبار الدوله - بنده هم موافقم که
 قانون میزبانی جزو دستور شود ولی همانطور
 که آقای مخبر اظهار داشتند سه چهار جلسه
 وقت لازم دارد و از طرف دیگر مستمریات
 سه ۱۳۰۴ پست و تلگراف را وزارت مالیه
 تا بهال نیز دراخته است و اگر آقایان ملاحظه
 فرموده باشند همه روزه در وزارت پست و
 تلگراف جمعی زن و بچه جمع می شوند
 برای این جزئی حقوقانی که دارند و
 بچهار ماه همینطور منظور معطل مانده اند
 و بنده تصور میکنم اگر آقایان موافقت

بفرمایند این مسأله چند دقیقه بیشتر طول
 ندارد چون آقایان همه از وضعیت این اشخاص
 مستحضرنند
 رئیس - آقایانی که تقاضای آقای
 اعتبار الدوله را تصویب می فرمایند قیام
 فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 پیشنهاد آقای حائری زاده
 (بترتیب ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم راپرت کمیسیون
 بودجه شماره ۷۵۰ راجع به مدارس بزد جزو
 دستور جلسه آتی باشد اول دستور
 حائری زاده - در درجه دوم باشد
 رئیس - آقای حائری زاده
 (اجازه)
 حائری زاده - پیشنهاد بنده در درجه
 دوم باشد اشکالی ندارد چیزی است که
 حرفی در اطرافش زده نخواهد شد يك
 مستری است که آقایان مشیر الدوله و
 مؤتمن الملک و مساعد السلطنه برای مدارس
 آنجا تعیین داده اند و گمان نمیکند چندان
 محتاج بصحت زیاد باشد
 رئیس - آقای فاطمی
 (اجازه)
 فاطمی - بنده در اصل موضوع کاملاً
 موافقم ولی همانطور که در اول جلسه توضیح
 دادم تصور میکنم بهتر این است که لایحه
 بلشویکها جزو دستور شود و تکلیفش
 معلوم شود بنده بی جهت عرض نمی کنم
 اینها نشار بدولت میآورند که تکلیفشانرا
 معلوم کنند ومدت کمی هم بیشتر به انقضاه
 کتر ایشان باقی نماند و البته اگر مجلس هم
 تصویب نکند باید اینها بداندند
 بنا بر این خوب است در درجه دوم
 لایحه بلشویکها باشد و در درجه سوم هم همین
 پیشنهاد که آقا کردند
 رئیس - رأی می گیریم. آقایانی که
 پیشنهاد آقای حائری زاده را تصویب میکنند
 قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال
 (شرح آتی خوانده شد)
 تقاضای نماینده شورتانی قانون میزبانی
 جزو دستور جلسه سه شنبه باشد
 رئیس - بفرمایند
 آقا شیخ جلال - در درجه سوم باشد
 اگر وقت نشد جزو دستور جلسه بعد باشد
 رئیس - رأی می گیریم بقتضای
 آقای آقا شیخ جلال
 آقایان موافقین قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد

پیشنهاد دیگری از آقای کازرونی رسیده
 است ولی گمان نمیکنم دیگر وقتی باقی
 بماند
 (مجلس نیم ساعت از ظهر گذشته ختم
 شد)
 رئیس مجلس شورای ملی
 حسین پیرنیا
 منشی - م شهاب
 منشی - دکتر احتشام طباطبائی
 جلسه یکصد و هفتاد و ششم
 صورت مشروح مجلس
 یوم سه شنبه دوازدهم
 خرداد ۱۳۰۴ مطابق
 ۱۲۴۴
 (مجلس سه ساعت و ربع قبل از
 ظهر بریاست آقای میرزا حسین
 خان پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس یکشنبه دهم
 را آقای آقا شیخ هادی طاهری
 قرائت نمودند)
 رئیس - آقای حشمتی
 (اجازه)
 حشمتی - قبل از دستور عرض دارم
 رئیس - آقای نجات
 (اجازه)
 نجات - بعد از صورت جلسه عرض
 دارم
 رئیس - آقای رضوی
 (اجازه)
 رضوی - در صورت مجلس آقای
 پیری خان زنکنه را غایب بی اجازه نوشته
 بودند در صورتی که ایشان از کمیسیون
 اجازه خواسته بودند و تصویب هم شده
 رئیس - آنکه تصویب شده سابق
 بود قیبت پررورز را گویا کمیسیون اجازه
 نداده آقای شریعت زاده
 (اجازه)
 شریعت زاده - بعد از تصویب صورت
 جلسه عرض دارم
 رئیس - نسبت بصورت جلسه مخالفی
 نیست؟
 (گفته شد خیر)
 رئیس - آقای حشمتی
 (اجازه)
 حشمتی - از دوره چهارم تاکنون
 تقریباً چهار سال است موضوع امتیاز نقطه
 شمال خاطر تمام ملت ایران بلکه خارجی
 هار را بخودش متوجه کرده است حاله از
 قرائتیکه شنیده میشود
 کجانی سینکتر کناره گیری کرده و
 حکتاره گیری خود را اطلاع داده است.
 باینکه از طرف ملت ایران از نقطه
 نظر شوش بینی قون العاده که بدولت و ملت
 نجیب آمریکا داشته کمال تسهیل و مساعدت
 هم نسبت بآن امتیاز بعمل آمده بود معذالك
 اینطور پیش آمد کرده است و چون این يك
 موضوع فوق العاده اقتصادی است برای

مملکت بنده نمیدانم دولت فمال ما چه در
 نظر گرفته است
 در صورتیکه پیشنهاد های دیگری هم از
 طرف سایر کسبانیها و سرمایه داران
 آمریکائی راجع باین موضوع شده است
 بنده عقیده دارم بملکت تذکره داده شود
 آن فعالیتی که در وجود رئیس محترم دولت
 موجود است
 زودتر این مسئله را مطرح کنند و
 باین موضوع مهم اقتصادی مملکت خاتمه
 داده شود و تکلیف اینکار معلوم شود از
 دوره چهارم این مسئله باین دوره افتاد
 مدتی ماحرف وقت کردیم و ببالئی هم در
 اینباب متضرر شدیم
 بیش از این دیگر مقتضی نیست اینکار
 همین طور همانا بل باطل بماند
 و از دوره چهارم به پنجم و از دوره پنجم
 به ششم بیهوده و این سرمایه مهم مملکت ما
 با این فقر اقتصادی هبستور بماند
 رئیس - آقای نجات
 (اجازه)
 نجات - عرضی ندارم
 رئیس - آقای شریعت زاده
 (اجازه)
 شریعت زاده - آقایان نمایندگان
 محترم در نظر دارند بقتاب بیانات که در
 بلزوم تقیض نام دارا اینکه تمام بیانات هستند
 وعده تقدیم لایحه قانونی دارم بعد از چندی
 لایحه قانونی معا که وزیر راه است یکی از
 بهترین قوانین بود
 در تحت ۶۷ ماده پامضاه عمده از
 آقایان تقدیم کردم و در مجلس شورای
 ملی هم قرار شد کمیسیون خاصی برای وقت در
 این لایحه معین شود
 چون کارهای مهمی در جریان بود این
 مسئله بتأخیر افتاد
 ولی بقین دارم آقایان نمایندگان محترم
 با تصدیق باهویت این موضوع تصدیق
 خواهند فرمود که بایستی این کمیسیون
 تشکیل شود نسبت باین لایحه مجلس پنجم
 تصمی اتخاذ کند
 این است که از مقام محترم ریاست
 تقاضای کنم همسیر راجع بانتهاب اعضاء
 کمیسیون اجرا بفرمایند
 رئیس - چون قبلاً تذکری داده
 نشده ممکن است روز پنجشنبه کمیسیون
 انتخاب شود
 (پیشنهادی از طرف آقای
 حائری زاده بمضمون ذیل
 قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم در اول دستور
 بودجه مجلس شورای ملی مطرح شود
 رئیس - مخالفی دارد؟
 آقای میرزا سید احمد خان اعتبار
 بلی بنده مخالفم
 رئیس - بفرمایند
 آقای میرزا سید احمد خان اعتبار

بوده مجلس شورای ملی هفده است
ولی آقایان اگر وقت بفرمایند خواهند دید این مستمریات وزارت پست و تلگراف که جز دستورات مال سه گذشته است و آقایان در این صورت گمان می کنند تصدیق می فرمایند که او مقدم است
رئیس - آقایانی که تقاضای آقای حائری زاده را تصویب می کنند قیام بفرمایند
(عده برخاستند)
رئیس - تصویب نشده خبر کیسیون بوده راجع مستمریات وزارت پست و تلگراف از بابت ۱۳۰۳ مطرح است (شرح ذیل قرائت شد)
ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب مینماید
مبلغ هفده هزار و هفتصد و یک تومان و در قران و شصت دینار مستمریات سه حقوق مستخدمین کشور هشتاد میلیون خواهد شد
حالا با این همه ضرر هائیکه از قانون استخدام داریم این قسمت را هم که نفع است میگویند چون بالنتیجه به ضرف ضرر میزنند به عنوان مستمری تقدیم مجلس کردیم
اعتقاد من در اینجا این است و پیشنهادی هم میکنم که یک طوری شود که ضرر آنها تمام نشود و بر بودجه مملکتی هم اضافه نشود
بقاعده من له الغنم فلعلمه العرم هر کس نفعی کرده ضررش را هم همان باید متحمل شود
بهر اینست محل پرداخت این قسم حقوق از تفاوت حقوق منتظرین خدمت و آنها که ترفیع رتبه دارند مقرر شود یعنی از حقوق هر کس که بر طبق قانون استخدام ترفیع رتبه پیدا کرده اشخاص منتظر خدمت که حقوق میگیرند به تناسب پرداخته شود که نه باین ضمه ضرری وارد بیاید نه بر بودجه مملکت تحمیلی بشود مغرب در اینجا بنده گمان میکنم آقای آقا شیخ فرج الله درست آن صورت ضمیمه را ملاحظه فرموده اند که این فرمایشات را میفرمایند
والا این فرمایشاتی که فرمودند مربوط میکنند و یک عده را میاورد
باین لایحه که جز دست راست نیست این راهم که فرمودند یک وزیر میباید یک عده را بیرون باند اول عمرش تا آخر عمرش در منشی گری باقی میماند
بسا بود در همان رتبه میبرد ترفیع رتبه نبود که دو سال بماند ترفیع رتبه داده شود
و نلت از اصل بحقوقش اضافه شود همچنین یک وزیر میباید یک دست را میاورد جزو خدمت بعد یک وزیر دیگری میباید آنها را بیرون میگرد و دست دیگری را

میاورد در مدتی که آن وزیر بود اینده است بیچاره بودند
منتظر خدمت هم سابق معمول نبود که یک حقوقی به آنها بدهند
قانون استخدام یک اصل را معین کرد که یک عده منتظرین خدمت درست کرد و گفت اشخاصی که مشغول کار بوده اند و بیچاره میشوند نباید بی حقوق گذاشت
ملاحظه فرمودند بر بودجه سال گذشته معادل دویست هزار تومان بلکه متجاوز حقوق منتظرین خدمت وزارت خاها تصویب شد
از طرف دیگر ملاحظه بفرمایید ترفیع رتبه مطابق قانون استخدام سالی چند میشود
بنده با بعضی آقایان منجمه شاهزاده حساب کردم دیدم اگر بیست مرتبه ترفیع رتبه روی آن ۹ میلیون که حقوق مستخدمین کشور است مستخدمین کشور هشتاد میلیون خواهد شد
حالا با این همه ضرر هائیکه از قانون استخدام داریم این قسمت را هم که نفع است میگویند چون بالنتیجه به ضرف ضرر میزنند به عنوان مستمری تقدیم مجلس کردیم
اعتقاد من در اینجا این است و پیشنهادی هم میکنم که یک طوری شود که ضرر آنها تمام نشود و بر بودجه مملکتی هم اضافه نشود
بقاعده من له الغنم فلعلمه العرم هر کس نفعی کرده ضررش را هم همان باید متحمل شود
بهر اینست محل پرداخت این قسم حقوق از تفاوت حقوق منتظرین خدمت و آنها که ترفیع رتبه دارند مقرر شود یعنی از حقوق هر کس که بر طبق قانون استخدام ترفیع رتبه پیدا کرده اشخاص منتظر خدمت که حقوق میگیرند به تناسب پرداخته شود که نه باین ضمه ضرری وارد بیاید نه بر بودجه مملکت تحمیلی بشود مغرب در اینجا بنده گمان میکنم آقای آقا شیخ فرج الله درست آن صورت ضمیمه را ملاحظه فرموده اند که این فرمایشات را میفرمایند
والا این فرمایشاتی که فرمودند مربوط میکنند و یک عده را میاورد
باین لایحه که جز دست راست نیست این راهم که فرمودند یک وزیر میباید یک عده را بیرون باند اول عمرش تا آخر عمرش در منشی گری باقی میماند
بسا بود در همان رتبه میبرد ترفیع رتبه نبود که دو سال بماند ترفیع رتبه داده شود
و نلت از اصل بحقوقش اضافه شود همچنین یک وزیر میباید یک دست را میاورد جزو خدمت بعد یک وزیر دیگری میباید آنها را بیرون میگرد و دست دیگری را

نمیکردند و بیجهت هم نمی شد کسی را از آنجا خارج کنند و اگر ملاحظه بفرمایید به حقوق اعضاء وزارت پست و تلگراف خواهید دید که پس از یک خدمت طولانی یک اضافه حقوقهای مغضرب آنها داده میشود و یک نفر که الان در وزارت پست و تلگراف باشد که صد و پنجاه یاصد و چهل تومان حقوق داشته باشد
اولا این نادر است و بعد هم در نتیجه چهار یا چهل و پنج پاسی سال خدمت مییابد
اما این موضوعی که امروز جزو دستور است اگر صورت را ملاحظه فرموده بودید و با شخصات مراجعه میفرمودید گمان میکنم اصلا این ایراد را نمی فرمودید
بعلاوه این مبلغ از محل مستمری و شهریهها هم هست و از یک محل جدیدی تصویب نمی فرمایند این اشخاص هم در اینجا هستند هیچکدام نیستند که از پانزده سال و بیست سال کمتر خدمت کرده باشند تا برویم بالا اشخاص پنجاه ساله و شصت ساله و اشخاصی هستند که بیست دو سال بیست و سه بیست و چهار بیست و هفت سال زیاد تر و کمتر در این وزارتخانه خدمت کرده اند و همانطور که عرض کردم
سابقاً در وزارت پست و تلگراف یک نظامی برقرار بود که اگر اشخاص بعد تقاعد می رسیدند یا می مردند و ورثه آنها چیزی نداشتند یک مختصر مستمری در حق آنها برقرار میشد چنانکه اگر بصورت ملاحظه بفرمایید خواهد دید باین مستمریات فوق العاده بیست سه تومان و چهار تومان و پنج تومان است اینها صد و نود و یک نفر دستند و یکی دو تا نیستند که تصور فرمودید
دیگر اینکه فرمودید من با اینها مخالفم نیستم اما خوب است از محل حقوق منتظرین خدمت و آنها بیکیه ترفیع رتبه پیدا کرده اند بدهند
بنده نفهمیدم این فرمایش را از روی چه اصلی فرمودید؟ یک کسی که بوجوب قانون استخدامی که مجلس وضع کرده حقاً و قانوناً ترفیع رتبه پیدا کرده حالا باید از محل آنها بردارند مستمری بدهند به آنها اینی که سالهای سال بدولت خدمت کرده اند
این را بنده نفهمیدم از روی چه اصلی فرمودید یا اینکه از محل حقوق منتظرین خدمت بدهند شما خیال میکنید هر کسی در وزارت مالیه رفت و وقت من نوکر دولت هستم بصورت یک نوزده بهش میدهند که تو نظر خدمتی اینها جانان بلشان رسیده تا یک ورقه انتظار خدمت گرفته اند و هزار جور اشکالات برایشان پیش آمده
اینطور نیست که هر کس آنجا رفته باشد سهل و ساد یک ورقه دستش بدهند آقا شما منتظر خدمت هستید و یک مبلغ هم

یول باو بدهند این حسابی راهم که فرمودید شاهزاده کرده اند من که نفهمیدم با کدام شاهزاده حساب فرموده اند که حقوق مستخدمین هشتاد میلیون می خود این حساب را که بنده نمیدانم و چون خارج از موضوع است داخل آن هم نمی شوم و اگر چه گمان میکنم
همه آقایان از این موضوع مطلع باشند ولی برای اطلاع عرض میکنم وزارت پست و تلگراف یک نظامات دیگر قوانینی داشته و آنچه هم در حق اینها منظور شده بوجوب همان نظامات بوده است مایش هم خیلی نا قابل است بعلاوه وزارت پست و تلگراف در نظر گرفته است یک لایحه قانونی تهیه کنند چون این سال سنه ۱۳۰۳ است ولی یک لایحه جدیدی به مجلس خواهند آورد که بعدها جزو بودجه وزارت پست و تلگراف در حق آنها منظور شود که دیگر محتاج نباشیم هر سال یک لایحه تصویب کنیم
جمعی گفتند - مذاکرات کافی است
رئیس - مذاکرات کافی است؟
(گفته شد بلی)
رئیس - پیشنهاد آقای آقا شیخ فرج الله قرائت میشود
(شرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد می کنم این قسم مستمریات از محل حقوق منتظرین خدمت می بایست پرداخت شود
آقا شیخ فرج الله توضیح همان بود که عرض کردم گفتند چه دلیلی؟ عرض می کنم به همین دلیل هر کس فایده میبرد ضررش را هم باید بکنند از این قانون استخدام این ضررها متوجه شده دیگر محتاج توضیح نیست
رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - پیشنهاد آقای آقا شیخ فرج الله ملاحظه برخلاف قانون استخدام است در قانون استخدام مجلس تصویب کرده است و قانوناً ترفیع رتبه پیدا کرده حالا باید از محل آنها بردارند مستمری بدهند به آنها اینی که سالهای سال بدولت خدمت کرده اند
این را بنده نفهمیدم از روی چه اصلی فرمودید یا اینکه از محل حقوق منتظرین خدمت بدهند شما خیال میکنید هر کسی در وزارت مالیه رفت و وقت من نوکر دولت هستم بصورت یک نوزده بهش میدهند که تو نظر خدمتی اینها جانان بلشان رسیده تا یک ورقه انتظار خدمت گرفته اند و هزار جور اشکالات برایشان پیش آمده
اینطور نیست که هر کس آنجا رفته باشد سهل و ساد یک ورقه دستش بدهند آقا شما منتظر خدمت هستید و یک مبلغ هم

آقایانیکه ماده واحده را تصویب می کنند و رتبه سید والا ورقه کبود خواهند داد (اغذ واستخراج آراه بعمل آمده و نتیجه اینطور حاصل شد)
عده حضار ۱۰۷
ورقه سفید ملامت قبول ۷۹
ورقه کبود ملامت رد ۳
رئیس - عده حضار ۱۰۷ با ۷۹ رأی تصویب شد
اصامی موافقین آقایان و آقا میرزا سید احمد احتشام - علائی - سلطان ابراهیم خان انجمنی - محمد ولی میرزا - آقا میرزا شهاب الدین - سالا - اشرف - ارباب کیخسرو رهنا - آقا سید حسن اجاق - دکتر آقایان یاسائی - میرزائی - شوشتری - آقا میرزا سید احمد بهبهانی - آقا سید علاء الدین بهبهانی - آقا میرزا محمود خان وحید - آقا رضا مهدری - دیوان بیگی - امیر حسین خان آقا سید احمد خان اعتبار - آقا میرزا حسن خان یزیریا - آقا میرزا شکر الله خان قوام صدری - آقا میرزا رضا خان حکمت - آقا میرزا احمد خان اتابکی - حاج سید عبدالملی دیا - طهرانی - صدرائی - سهراب زاده کی استوان - آقا میرزا عبداللہ خان معتمد سهرابخان - اسکندری - خواجوی - حبیب الله خان شادلو
حاجی میرزا اسد الله خان - هرزوی - شریعتدار آقا میرزا محمد خان معظمی - آقا شیخ هادی طاهری - زاهدی - آقا میرزا حسین شان دادگر - تدین - آقا میرزا عبدالحمید صدر - شریعت زاده - دکتر امیر خان اعلم - آقا میرزا محمد خان صدیق غلام حسین میرزا - آقا سید مهدیخان فاطمی حاج شیخ عبدالرحمن - دستغیب ایزدی فتح الله خان اکبر - بهرامی - بیات - آقا میرزا علیخان غطیبی - اسمعیل خان وکیل آقا سید مصطفی بهبهانی - آشتیانی - عباس میرزا فیروز نجات - آقا شیخ محمد تقی ذوالقدر - شیروانی - اکبر - میرزا داود - هایم - عظیمی - آقا میرزا سید حسن کاشانی - آقا رضا نجاد - صدر العلماء مفتی - ابوالحسن خان پیرنیا - حاج حسن آقای ملک - آقا میرزا اسمعیل خان اسانلو - آقا سید ابراهیم ضیاء - آقا میرزا صادقخان اکبر شیخ الاسلام ملایری - ضیاء الاطباء - قائم مقام اصامی مخالفین - آقا شیخ محمد علی شومنی - آقا سید محمد رضای مساوات - جهانشاهی
رئیس - پیشنهاد آقای حائری زاده قرائت میشود
(شرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد می کنم بودجه مجلس شورای ملی جزو دستور شود درجه دوم رئیس - باید رأی گرفته شود آقایانی که تصویب میکنند قیام بفرمایند

روزنامه رسمی کشور شامشاهی
صالحه ۱۲۴۲
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - مذاکرات راجع بکلیات است آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - آقایان توجه می کنند بنده از چه نقطه نظر می خواهم مخالفت با بودجه مجلس بکنم حالا برض آقایان میرسانم بنده از اداره مباحثت اطلاع کامل تحصیل نکردم و نمی دانستم امروز بودجه جزء دستور میشود تا تعقیبات کاملی از اداره مباحثت یا از مخبر بکنم که قانع شوم و در مقام مخالفت برسانم ولی چون بشتنا جزء دستور واقع شد اینست که بصورت مخالفت عرض می کنم تمام آقایان میدانند دوره پنجم است و در دوره اول مجلس شورای ملی بودجه برایش مرتب نشد برای آن قضایا و اتفاقاتی که ما همه دیدیم و مستعرضیم در دوره دوم بودجه برای مجلس شورای ملی تنظیم شد این جا بنده چیزهایی که عرض کردم با کمال قوت قلب و بدون ملاحظه عرض می کنم و از هیچکس هم بعول وقوه الهی ترس ندارم آنچه می فهمم می گویم نهایت آقایان شاید نخواهند بگویند
ولی بنده می گویم بر روی بودجه دوره دوم و سوم و چهارم را بهینه این یکسال از دوره پنجم راهم نگاه کنید
حلت تغییر دادن بودجه از آن وضع مرتب باین وضع برای چه بوده است جراثم باید بدست ما باشد و بدست و نظر یات ما باشد آقایان همه می دانیم مملکت ایران یک مملکتی است که در هر خانه که باز باشد صاحبان آن خانه ناچارند اشخاصی رعایت کنند
مملکت ایران هنوز یک مملکتی نشده که عوطف و زبیرا برود و غیر از مشغولات خود برستی چیزی نماند اگر تعبیر غلط می کنم بمن حمله نکنید که چرا حمله بندهن می کنم
بنده عرض می کنم نشوونمای ما در یک مملکتی شده است که عوطف و احساسات هست عوطف دادن و بخشیدن در ما هست غالباً لواجیحی که پیشنهاد می شود از روی عوطف هست لواجیح شهری و مستمری رأی می دهم در سورتی که بودجه مملکتی است و از خزانه ملت است ما چون دل ما نسوخته است از خزانه ملت رأی می دهم اما آنچه چیزی که مال خودمان است از دشمنان در برود جراثم و کلا تا بحال وارد میشود یک مجلی ویه اجازه و کلا بغزرا داده می شد
من نمی دانم از روی چه نظر یاتی ما می خواهیم فرم بکنیم؟ مجلس شورای ملی که جایش غیر فرم است؟ کدام اداره مرتب و تنظیم تر از این جا است؟ بنده نمی خواهم اظهار شجاعت کنم غیر بنده خیلی مقتضرم

روزی و یکم ولی حیثیات و احترامات مجلس را بنده هیچوقت نمی توانم صرف نظر کنم
بنده عرض می کنم یک جراثمی بود در تحت آن جراثم روضه می خوانند (آقایان برخلاف روضه خوانی که نیستند) بقرا می دادند (برخلاف فقرام که نیستند) بنده نمی خواهم هر روز در این جا بیایم یک لایحه بگذرانم آنوقت لایحه برود در هزار و سوراخ بگردد تا برسد بخزانهداری برای خاطر این که صد تومان یا دویست تومان به این فقرائی که حمله میاورند مجلس بدهند جراثم و کلا جزو جراثمی دیگر نبوده است بیست تریب خاصی بوده بهینه برای وکلای مجالس دیگر در اینجا بیایم اهمیتی هست چه آزاد بیائی هست ملای رو می میگویند یک سوراخ دعا کم کرده
بلی باید ما به مملکت راجع آوری کرد اما کجا؟ یک دفعه بیایم سیصد هزار تومان چهار صد هزار تومان رأی بدهیم اما در یک چائی که تمام مردم متوجه هستند که در باره آنها یک اعانتی میکنیم و پنج تومان ده تومان با آنها برسانیم حتماً برود این سوراخ و آن سوراخ خزانه بنده مخالفم شیروانی اینطور نیست ماده چهار را ملاحظه کنید
آقا سید یعقوب - هست تعین مطالعه نمی کند این استدرد که آقایان مطالعه نمی کنند می گویند این طور نیست دیدید بود این یک مسئله که بنده جدا برای حیثیت مجلس عرض می کنم باین ترتیبی که بیحیثیت مقامی و اداره قانونی تقنینیه برمی خورد مانعی توانم قوانینمان را پیش بدم حالا آقای سائری زاده بلند میشوند می گویند من همچو جمع آوری کردم و مملکت را از بزجران اقتصادی نجات دادم لیکن این بهران اقتصادی نیست این در مواد مینته خرج میشد و تصویب تمام ما هم بود
بنده میتوانم قسم بخورم هیچ خرجی بهتر از این مخارج نبود
این یک مسئله دیگر
بنده نمیدانم
بکیسیون محاسبات عرض کنم پایه اداره مباحثت یا به پشت رتبه
بنده ملاحظه میکنم دو اداره در این مجلس هست یکی اداره تقنینیه و یکی هم مباحثت اداره تقنینیه عبارت از اداره تخریرات است و یکی هم اداره مباحثت است
در اداره تقنینیه بحسب موادی که اینجا مرتب شده تفاوت حقوق برایشان معین کرده اند و حق هم هست برای این که باید تمام وزارتخانه ها و ادارات بدهند که
هیچ جا بیشتر از مجلس زحمت نمیکشند و دبایش اینست که از اذان صبح تا ساعت پنج ما گرفتاریم
است باین بودجه

دوره پنجم
مجلس داریم
کیسیون داریم
اجتماعات داریم
فقراما که گرفتاریم اداره مباحثت و تقنینیه هم گرفتارند
سابق هم که بیست و آخرت خوشحال بودند اینجا صحبت آخرت هم نیست که بگویم اداره تقنینیه البته خدمت می کند این برای وقتی است که تمام مملکت البته خدمت کنند
از اداره تقنینیه تا اندازه ملاحظه شده است ولی اداره مباحثت و این پیشخدمتها که بنده عقیده دارم هیچ اداره باین طور مرتب نیست حالا اگر آقایان به اینها انعام داده اند ولی بنده که تا بحال یک پول با آنها نداده ام
یک نفر از نمایندگان - صحیح است
آقا سید یعقوب - نه اینکه بنده نداده ام شما هم نداده اید اینها هزار جهت متره اند و از اذان صبح تا ساعت پنج که قنارند وقتی اوقات این مستخدمین را ملاحظه بفرمایید با مستخدمین سایر وزارتخانه ها ملاحظه بفرمایید که کار را سه قسمت میکنند یک قسمت را آنها میکنند باقی را اینها
اینها صبح گرفتارند عصر گرفتارند شب هم گرفتارند
در صورتیکه کار مستخدمین وزارتخانه ها روزی شش ساعت پنج ساعت است
بین الزانین است
از اول زندگی که میزند نمی آید تا آن زندگی که مستخدم خارج می شود شش ساعت است و اگر کسی در وزارتخانه ما برود میدانند در واقع اگر خیلی کار بکنند سه ساعت هم نخواهد شد لکن مستخدمین مجلس اینکه عرض میکنم صبح تا ساعت پنج از شرف رفته خدمت میکنند مباحثت چر اینطور متوجه بشما گذاشته اند و چطور شده هیئت رئیس ملاحظه نکرده است
یک جماعتی که قریب پنجاه شصت نفر هستند و از روی یک صمیمیتی دارند خدمت می کنند ما در مقابل خدمت باید اجرت بدهیم
فعلاتوقعی است که در مقابل خدمت اجرت دنیوی داده میشود بلی اگر خدمت را کمتر کنند و یک دست دیگر هم بیآورند که از صبح تا ساعت پنج از شرف گذشته گرفتار نباشند یک مسئله است ولی از روی عدل و انصاف قضاوت کنید
در اداره تقنینیه یک ملاحظاتی کرده اند علت اینکه درباره آنها ملاحظه نکرده اند چه چیز است چون قلم در دستشان نیست؟ ما نباید کسر ملاحظه بکنیم که قلم در دستش است؟ اینهم یکی از ایرادهای بنده است باین بودجه

روحی مغرب کیسیون محاسبات تفسیر بودجه در دهه جای دنیا مستلزم يك اضافه مغارجی است هر وقت اضافه مغارج در يك جائی الزام آورده بودجه بهمان تناسب بالامیورد افضای تانیبه ومباشرت چندسال بوده بصداقت و راستی و خدمت گذاری خدمت کرده بودند و جالب نظر هیئت محترم پرتیسه مجلس شد بود برای آنها امسال از نقطه نظر قانون استخدام اضافه حقوقی منظور شد باین مناسبت شاید بودجه امسال يك مقداری از سابق علاوه شده باشد این قسمت فرمایش بدوی آقای آقا سید یعقوب . . .

مصلح السلطنه - در اروپا يك بودجه است که مغارج عمومی مملکت را می نویسد .
این مغارج مخارج انتظامی مملکت است . دولت این قبیل مغارج را که مغارج انتظامی مملکت است ناچار است بکند .

مجلس با زیاد بر حسب احتیاجات مملکت و این بودجه را بودجه انتظامی می گویند یعنی دولت بست نمایندگی جامعه مجبور است يك مالیاتی از جامعه جمع کند و در منافع جامعه خرج کند . این يك بودجه است .

بودجه دوم بودجه اقتصادی است . بودجه اقتصادی بودجه است که دولت برای استفاده از تجارت و صناعت و مسائل اقتصادی مینویسد .

ولی در صورتیکه امر اقتصادی برای دولت صرفه داشته باشد ضرورت ندارد مرتکب امر اقتصادی بشود .

یعنی اگر دین امر اقتصادی برای دولت مفید است مرتکب آن میشود و اگر مفید نیست اجتناب میکند .

يك بودجه سوم هست که آن بودجه مغتلط است یعنی دولت هم از نقطه نظر انتظامی و هم از نقطه نظر اقتصادی احتیاج بوضع يك بودجه سومی پیدا میکند یعنی فرض بفرمایید دولت می خواهد مثلا يك کارخانه توب ریزی درست کند و از نقطه نظر انتظامی توب و مهمات يك چیزهایی است که باید مستور بماند و خارجی هاندانند یعنی جزء مسائل سری مملکت است و باید مستور بماند .

توب و اسلحه و موتیسون و امثال آنها را نمیتواند بيك دارالصنایع خصوصی سفارش بدهد .

لذا خودش برای اینكار يك اداره درست میکند .

اینجا نظر دولت اینست که يك كار انتظامی کرده باشد یعنی آن چیزی را که باید مستور بماند بکند خودش درست کرده باشد .

اینجا نظر دولت اینست که يك كار اقتصادی بکند خودش درست کرده باشد .

اینجا نظر دولت اینست که يك كار اجتماعی بکند خودش درست کرده باشد .

اینجا نظر دولت اینست که يك كار فرهنگی بکند خودش درست کرده باشد .

اینجا نظر دولت اینست که يك كار علمی بکند خودش درست کرده باشد .

اینجا نظر دولت اینست که يك كار ورزشی بکند خودش درست کرده باشد .

اینجا نظر دولت اینست که يك كار تفریحی بکند خودش درست کرده باشد .

محل اقتصادی میرسد متلاوه هزار یا بیست هزار تومان است این را فقط در جمع عایدات كل مملکتی حساب میکنند و كلای مجلس شورای ملی هم در موقع رای دادن بودجه می خوانند می بینند از امور اقتصادی که دولت مشغول است فرض بفرمایید مطبوعه دارد کارخانه توب ریزی دارد پاهر قبیل صنایعی که دولت درست بکند چه منامی دارد آنوقت در موقع تصویب بودجه نمایندگان ملت که وظیفه شان این است که در حدود اختیارات خود در حفظ منافع ملت بکوشند یعنی اگر امور اقتصادی دولت مفید باشد بودجه آن را تصویب می کنند .

و اگر مضر باشد رد میکنند در این بودجه مجلس بنده يك امر اقتصادی می بینم که حقیقتاً فلسفه اش را نمی فهمم و آن امر اقتصادی مطبوعه مجلس شورای ملی است مطبوعه مجلس شورای ملی مطابق صورتیکه بنده دارم يك مؤسسه بوده است که در زمان استبداد در يك محلی بوده است و برای استفاده مجلس شورای ملی باین محل انتقال یافته است .

این مؤسسه خودش يك قیمتی داشته که اینجا آمده بعد از اینکه اینجا آمده است در بودجه تنگ و زیاده و چهار هزار و شصت و شانزده تومان بابت مطبوعه مجلس شورای ملی بخرج آمده در بودجه سال بعدش چهار و نه هزار و دویست و بیست و شش تومان بخرج آمده جهش میشود و چهار هزار و چهار و دو و دو تومان کثیر از آن بخرج برده است عایدات دو ساله مطبوعه مجلس را که بنده مطابق این راپورت اداره مباشرت مبینم سی و هفت هزار و سیصد و دو هایدی داشته در سال ۱۳۰۱ سیزده هزار و سیصد و دو تومان و در سال ۱۳۰۲ بیست و چهار هزار تومان

دوسال عایدی آن سی و هفت هزار و سیصد و دو تومان

و اعتباری که در دو سال از بودجه داشته است صد و چهار هزار و چهار و دو تومان است و در صورتیکه ما فرض کنیم که مطبوعه مجلس شورای ملی امسال هم بیست و پنج هزار تومان عایدی داشته مثل آن راپورت کیسیون محاسبات که نوشته بود که مطبوعه مجلس شورای ملی برخلاف سال گذشته بیست و پنج هزار تومان عایدش دارد در صورتیکه امسال ككار مطبوعه مجلس مورد عایدش شود تازه در این بودجه چهار هزار هزار تومان خرج برای آن پیشنهاد کرده اند و باز ده هزار تومان هم مجلس شورای ملی دستي بمطبوعه داده است شهب

بندۀ این است که همانطوری در اروپا معمول است ما باید بودجه اقتصادی مملکت را از بودجه عمومی مملکت مجزا کنیم .

اداره مباشرت خوبست معین بفرمایند که در این دوسال حقیقه عایدی مطبوعه چیست ؟

است و آقای ارباب که محسرو که تصدی آن هستند خودشان تجارت هم کرده اند میدانند که هر تجارتی که كسب میکند حساب نفع و ضرر خودش را دارد که از يك قلمی که مرتکب میشود در آخر سال در حساب خودش اگر ضرر کرده باشد ضررش را می نویسد و من عقیده دارم برای این که این چهل هزار تومانی که امسال باید بمطبوعه مجلس شورای ملی بدهیم بیست و پنج هزار تومان برداشت کنیم و آن صد و پنجاه هزار تومان سرمایه ما اعتباری زاهم که آنجا گذاشته ایم هیچ نشود و از بین نرود باید این چهل هزار تومان از بودجه مجلس شورای ملی حذف شود و چهار هزار تومان اعتبار برای معالومات مجلس و برای این لواجهی که در این جا طبع میشود در خرج بنویسیم اگر اداره اداره مباشرت میگوید خرج مطبوعات مجلس بیش از چهار هزار تومان است بنده خودم بچهار هزار تومان مقایسه می کنم و خیلی هم زودتر میرسانم .

آنوقت فقط تکلیف مان میباشد بمطبوعه مجلس شورای ملی ایشان هم صورت میدهند که مطابق این صورت برای مملکت مفید است یا مضرات اگر مفید است بسیار خوب این يك عمل اقتصادی است که ما مرتکب میشویم و اگر مضر است بنده برصلاح برصلاح موکلین خودم نمی بینم که از محل مالیاتی که وضع می کنیم صد هزار تومان در يك محلی فرورود .

این عقیده من بود در باره مطبوعه مجلس شورای ملی و اگر در بودجه مجلس چهار هزار تومان برای مطبوعات و تصدیر تومان برای الكریست بنویسند هر وقت چراغ برق بخواهند حاضر است آنوقت تکلیف مایماند با این قسمت که آیا این بودجه مطبوعه برصلاح مملکت است یا خیر .

بنده این را كاملاً برخلاف مصالح مملکت می بینم یعنی اگر این بودجه اقتصادی مطبوعه برای ما مفید باشد ما هم می بینم که برای ما بیشتر فکند و اگر مفید نباشد بنده يك کاری را که برصلاح مملکت و موکلین و مالیات دهندگان نیست و بر مصالح يك مشت اجزاء سایر مطلع هم که فان و معاش شان از این کار می گذرد نیست معتقد نیستم .

این عقیده بنده بود در باب مطبوعه مجلس شورای ملی و اما در باب حساب مجلس بنده عقیده ام این بود که بیش از این ها می گفتند مباشرت تا حسابش را ندهد مباشر نمی شود بنده حالا می بینم که این مسئله نه تنها در زمان استبداد حساب ناخوش شددور زمان مشروطه مرد بلکه حالا می بینم که در مجلس هم دارد حساب یواش یواش میبرد .

دوسال است که حساب مجلس شورای ملی را نیسازده و ما باید بودجه سال سوم را تصویب کنیم .

مجلس شورای ملی هم که با بدست مرتکب مملکت باشد خودش يك درس خیلی بدی میدهد در آخر سال در حساب خودش اگر ضرر کرده باشد ضررش را می نویسد و من عقیده دارم برای این که این چهل هزار تومانی که امسال باید بمطبوعه مجلس شورای ملی بدهیم بیست و پنج هزار تومان برداشت کنیم و آن صد و پنجاه هزار تومان سرمایه ما اعتباری زاهم که آنجا گذاشته ایم هیچ نشود و از بین نرود باید این چهل هزار تومان از بودجه مجلس شورای ملی حذف شود و چهار هزار تومان اعتبار برای معالومات مجلس و برای این لواجهی که در این جا طبع میشود در خرج بنویسیم اگر اداره اداره مباشرت میگوید خرج مطبوعات مجلس بیش از چهار هزار تومان است بنده خودم بچهار هزار تومان مقایسه می کنم و خیلی هم زودتر میرسانم .

ولی بنده عقیده ام این بود که اول حساب مجلس شورای ملی بیايد رسیدگی شود و بعد بودجه امسال تصویب بشود ولی امیدواریم که انشاء الله حساب هم بمجلس بیايد و اما راجع بجرائمی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند با اینکه بنده همیشه با نظریات ایشان موافق هستم (حالا هم با ایشان موافقم) ولی من باب خیر و صلاح مملکت باید نظریات خودم را عرض کنم .

يك وجوهی از بیانات جرائم در مجلس شورای ملی در باره سال و بیزار سال گرفته شده و بيك مصارفتی رسیده است معلوم نیست و هیچ كس نمیداند بنده خودم صورتش را از آقای ارباب خواستم ولی چون نا مجرم بودم بمن نشان ندادند و فرمودند در دفتر نوشته ام و مرتب است

ولی بنده نشان ندادند بنده عرض می کنم يك جرائمی گرفته می شود و این جرائم بموجب قانون گرفته میشود ماو كیل هستیم که بموجب قانون رفتار کنیم و ما می گیریم پس ما زود مال دولت است . اگر مال ملت است و مال ماو كیل نیست . اگر مال و كیل باشد خرجش را ما باید مشخصاً تصویب کنیم بنده دلم می خواهد جرائم خودم را بيك اشخاصی بدهم که غیر از نظریات آقای آقا سید یعقوب باشد پس بنده بنده بدهند بدهم بفرقه و بنده تصور میکنم چون جزء عایدات مملکت است باید خرج آن را هم نمایندگان ملت تصویب کنند .

اما نمایندگان ملت در كجا بایند تصویب کنند در مجلس شورای ملی یعنی آنجا که آن اشخاصی که انتخايشان کرده اند فرستاده اند بنشینند و آنها ببینند چكار می کنند .

بنده كاملاً با این که وجه جرائم در جلسات خصوصی ب مردم داده شده است مخالف هستم و این مسئله را برخلاف اصل سیزدهم قانون اساسی می دانم که میگوید مذاكرات مجلس شورای ملی از برای آنكه نتیجه آنها بوضع اجرا گذارده شود

شده باید علنی باشد روزنامه نویسی و تماشاچی مطابق نظامنامه داخلی مجلس حق حضور و استماع دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند تمام مذاكرات مجلس را روزنامه جات میتواند بطبع برسانند الی آخر .

این اصل سیزدهم و بعد اصل صدم متمم قانون اساسی میگوید هیچ مرسوم و انعامی بخرینه دولت حوالی نمی شود مگر بموجب قانون . و بعد نظامنامه مجلس شورای ملی در ماده ۸۵ میگوید در مواد

ذیل اخذ رای علنی با اوراق حتمی است اولاً بعد از اینکه دودمه بواسطه قیام و تمداد نتیجه مشکوک باشد ثانیاً در تمام لواجه قانونی که تقاضای اجازه مغارج می نمایند . این برای چیست ؟ برای اینست که در رای قیام و قعود هیچ محل اطمینان نیست ممکن است بگویند تصویب شد و کمتر باشد و با بگویند تصویب نشد و بیشتر باشد چون اینها راجع بسالیه مملکت و مصالح عمومی است باید نمایندگان مجلس باورده رای بدهند که اسمشان نوشته شود .

پس بنا بر این اگر يك چیزهایی در خارج تصویب شود مخالف اصل صدم گرفته شود مخالف ماده ۸۵ نظامنامه مجلس شورای ملی و اگر تصمیاتی در خارج گرفته شود و بوضع اجرا گذاشته شود مخالف اصل سیزدهم قانون اساسی خواهد بود و بنده كاملاً مخالفم .

اما از آن طرف برای اینکه يك اعتباراتی در تحت نظر آقای رئیس با آقایان نواب رئیس و مباشرین گذاشته شود مخالف نیستم که در همه جا اعتباراتی در بودجه مجلس پیشنهاد بکنند و از بیانات آن اعتبارات بتصویب مجلس خرج بکنند . هیچ مانعی نیست و بنده اگر مجلس شورای ملی بودجه خودش را مطابق قانون اساسی نتواند تشکیل بدهد حقیقتاً نمیتوان بگویم که ما عدم ایفای خودمان را بتمام دنیا خواهیم ثابت کنیم . مجلس شورای ملی که بودجه خودش را برخلاف قانون اساسی نظامنامه داخلی تصویب کند این دلالت بر این خواهد کرد که ما مجلس خودمان را نمی توانیم اداره کنیم .

رئیس - پیشنهاد آقای شبروانی . (شرح ذیل قرائت شد)

نظر باینکه بودجه مجلس جزو دستور میشود و كاملاً آقایان نمایندگان محترم جمعی از نمایندگان - بطور مهمه .

رئیس - بگذارید پیش نهاد را بخوانند . (مجدداً بشرح ذیل خوانده شد)

نظر باینکه بودجه مجلس جزو دستور میشود و كاملاً آقایان نمایندگان محترم جمعی از نمایندگان - بطور مهمه .

فاطمی - این فلسفه را که آقای میرزائی فرمودند مناسب این بود که در موقعی آقای حائری زاده این پیشنهاد را کردند آنوقت این پیشنهاد را بکنند والا حالا که يك ساعت وقت مجلس گرفته شده و مذاكراتی هم شده و دیگران هم اجازه خواسته اند حرف بزنند بنده مقتضی نمیدانم بچاسه دیگر بیفتد .

جنو همه هم است ممکن است مطالعه بفرمائید و امروز تکلیفش را معین کنند .

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای میرزائی را تصویب می کنند قیام فرمایند . (ممدودی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد . آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - اعتراضاتی را که آقای مصدق السلطنه فرمودند گمان میکنم يك قسمتش در این بودجه هست

يكی راجع بچهارم بود که جزو عایدات آمده یعنی در بودجه های پیش این جمله پیش بینی نشده بود و در این بودجه پیش بینی شده و آقای آقا سید یعقوب هم که اعتراضی در این موضوع داشتند لازم است بنده توضیح بدهم که بودجه سنه حاضر را باسته ماضیه وقتی قیامه بفرمائید سال گذشته سه هزار و شصت تومان بیشتر اعتبار با داده مباشرت داده نشده است امسال تقریباً چهارده هزار و شصت تومان اعتبار با داده مباشرت داده شده است برای بعضی خرجهائی که در اداره مباشرت می شده که از اجل جرائم همیشه در جلسه خصوصی با از هیئت رئیس تصمیاتی اتخاذ می شود خرج می شد . امسال خواستند این مسئله صورت قانونی داشته باشد و جرائم و عایدات مملکتی باشد و در این لایحه این اعتبارها هم مجلس شورای ملی داشته باشد برای مغارج لازم که خرجهائی که بیشتر بود شك نماند و حساب مرتب هم داشته باشد

بعلاوه يك زحمت زیادی بود که اداره محاسبات يك دفتر مخصوصی برای جرائم نگاه بدارد و از يك زحمتی که از حساب بودجه مجلس خارج باشد خلاص شدند .

و يك خرجی هم که ممكن بود گفته شود برخلاف قانون میشود صورت قانونی پیدا کرده هیچ لطمه هم بوضیعت سابق مجلس وارد نیامد .

راجع بسایر قسمتهای مغارج هم بنده نظری نداختم و مباشرین سابق در این موضوع تصمی گرفته بودند بنده هم که وارد شدم دینم اگر بخواهم يك اصلاحی بکنم بنظر من عملی نیامد این اضافه حقوقی هم که داده شده بود چون يك قانون استخدامی ما نداختم که با آن تطبیق بکنیم و يك قانون استخدام هم بود که در مجلس در تحت شود بود و هنوز صورت قانونی

خود نگرفته بود اجزاء دفتري هم در سال بود که اضافه حقوقی بآنها داده نشده بود و اخلاقاً با این زحمانی که داشتند مقتضی بود که اضافه حقوقی بآنها داده شود همیشه سابق و مباشرین سابق در این باب تصمیاتی گرفته بودند و يك اضافه حقوقی هم در بودجه منظور کرده بودند چون بنده نظری برای زیاد کردن و کم کردنش نداشتم و آقایان هم تصمی گرفته بودند بنده در این باب مخالفتی نکردم و مستخدمین جزء هم که حقیقه من خجالت دارم از آنها و فرمایش آقای آقا سید به توب راهم تصدیق میکنم که زحمات آنها زیاد است ولی این تبعیضی که راجع به مستخدمین جزء شده است آقای ارباب فرمودند چون در سال گذشته يك اضافه حقوقی بآنها داده شده بود و آن حد اکثری که در اداره مباشرت برای حقوق آنها منظور شده اگر خواسته باشیم امسال هم بآنها اضافه حقوق بدهیم معلوم نیست بکجا میرسد از این جهت يك حال وقفه پیدا شد و راجع به موضوع مطبعم هم که آقای مصدق السلطنه فرمودند اگر نظرشان باشد در سال گذشته بودجه مطبعم را بکلی از بودجه مجلس مجزا کردند بنده آنوقت عضو کمیسیون محاسبات بودم و آنوقت این نظر را داشتم ولی آقای رئیس در مجلس اعتراض فرمودند که جزء بودجه مجلس است مجلس هم با نظر آقای رئیس موافقت کرد در اینشوق هم که اداره مباشرت بودجه را تنظیم کرده بود بودجه مطبعم را هم جزء بودجه مجلس آورده بود حقیقه من مستخدمین که مجلس کارهای خودش را بکنند و يك مطبعم کوچک کافی است که فقط لوازم خودش را چاپ کند ولی نظر باینکه مجلس چهارم اعتباری داده بود و زحمانی آقای ارباب متحمل شده بودند تصدیق میفرمایند تا مجلس يك تکلیفی برای اینکار معین نکنند مباشرین نمیتوانند خودشان يك مؤسسه را تعطیل کنند اگر مجلس شورای ملی با نظر بنده و سایر مباشرین موافق باشد که که مطبعم منصرف باشد بیک ماشین کوچکی که کارهای خودش را اداره بکنند حرفی ندارم ولی باید مجلس تکلیف يك مطبعم که در سنوات پیش اعتبار برای خریدش و برای تعمیر و ساختمان و نگاهداریش داده است معلوم کند مخیر - آقای حائری زاده در پایان صحبتشان مخالف بودند بنده ناچارم دفاع کنم عرض میکنم اعتراضاتی که آقای مصدق السلطنه راجع به مطبعم مجلس فرمودند مطبعم مجلس اعتباراتش در سنوات گذشته جزو بودجه بخرج آمده و وکلا رای داده اند ماشین و ادوات و آلاتی که لازم بود

خریداری بشود - آنروز این کار از نقطه نظر اقتصادی صرفه دارد باینکه در این يك بحث ملیحه ایست که ما در خارج بنشینیم و آقای مصدق - السلطنه حل کنیم مطبعم مجلس شورای ملی علاوه بر اینکه صرفه دارد و آنطور که آقای شخصیت دادند نیست امروز يك خدمت بزرگی را انجام میدهد که تا بحال در ایران سابقه نداشته و آن مسئله تمبر است آقایان از این غافلند که تمبر بیست ایران در مالک بیگانه طبع میشود است می آنکه ما بدانیم کلبه این تمبر بیست کبست و کی صحت آنرا تصدیق می کنند آیا در بازارهای دنیا قبل از آنکه تمبر ما هنوز بمالکتمان وارد شده باشد بمرض بیع گذارده میشود یا نه ؟ امروز مطبعم مجلس با همین ماشینهایی که ملاحظه میفرمائید تمبر چاپ میکنند تفاوت این لا اقل برای مالکیت خیلی زیاد است ما سابق پول زیادی میدادیم میزدند در هارن و در آنجا در يك مطبعم کوماند می دادند شاید در بعضی مواقع هم ادوات ایران مأمور قون آماده می فرستاد برای طبع تمبر که نظارت داشته باشد آنوقت این تمبر که قیمت گزاف وارد میشد و امروز دولت بواسطه مطبعم که خودش وارد کرده است این تمبر را طبع می کند و از این جهت برای مملکت يك اختیاری است و گذشته از این يك اعتباراتی را برای دولت فراهم کرده است و يك مبالغی که دولت برای خرید ادوات و آلات و ماشینها تخصیص داده و وارد شده آنها را دیگر نمی شود دور انداخت . حالا آمدیم مطبعم مجلس را معدود کردیم بیک مطبعم کوچک که کارهای خودش را بکند و لوازم خودش را چاپ کند دولت از این پولی که داده است که صرف نظر نخواهد کرد و در نتیجه این مطبعم از مجلس بیرون میرود و آنوقت لطمه بدی بسایر مطابع می خورد که بنده هم با این مخالفم امروز مطبعم مجلس جز اینکار تمبر و يك قسمت اوراقی که دولت می آورد کارهایش محدود است و کتاب طبع نمی کند - اوراق تجارنی قبول نمی کند و از لحاظ اینکه بسایر مطابع ضرر وارد نباید عقیده بنده است که اگر ما بخواهیم مطبعم مجلس را محدود بکنیم و کوچک بکنیم و این مطبعم را بیرون بدهیم و در نتیجه تمام کارهای سایر مطابع را تصاحب خواهد کرد و تمام مطابع دیگر از بین میرود و علاوه بیک همچو موسسه که يك خدمت گرانگیزی را که طبع تمبر باشد انجام می دهد نمی تواند محدود باشد و بایستی دولت از آن استفاده کند

استفاده دولت هم موجب ضرر مطابع نخواهد بود - رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه) شیروانی - موافقید یا مخالف - ارباب کیخسرو بنده مدتی هم شیروانی - بموجب کدام ماده نظامنامه - ارباب کیخسرو - مذاکراتی که اینجا راجع به بودجه مجلس شد چند قسمت بود اولاً اساساً مباشرین بودجه شخصی پیشنهاد نکرده اند بودجه راجع به مجلس است و مجلس ملاحظه می کند دیگر بسته بیل و اراده آقایان نمایندگان است موافقت تصویب میکنند موافق نیستند تصویب نمی کنند و هیچ مربوط به مباشرین نیست . مباشرین يك اشخاصی هستند که از طرف مجلس انتخاب شده اند و کلیه شان این است که بودجه را تنظیم کنند و تصدیق کنند راجع به آنها هم همان قسمتی که اینجا توضیح دادند مقصود این بود که چون در سنوات سابق و مخصوصاً در سال گذشته اعتراضاتی میشد که نباید همان قسمتی که وکلای دوره های سابق عادت داشتند راجع به جرائم يك رای خصوصی بدهند بهتر این است که دخل و خرجش جزء بودجه کل بیاند . اداره مباشرت وضع این در در سر را از خودش بکند این بود که آن هارا جزء بودجه آورد حالا بازم بسته نظر آقایان وکلا است و اینجا اداره مباشرت دفاعی ندارد - آقایان بیل دارند قبول فرمایند بیل ندارند قبول نکنند - راجع بتفاوت حقوق اینجا آقای حائری زاده فرمودند که بنده عرض کرده ام بمقوق مستخدمین جزء افزوده شده است بنده همچو چیزی عرض نکردم این مستخدمین بطور کلی دو سال بود که هیچ اضافه حقوق نداشتند در موقع تنظیم بودجه امسال مذاکره شد که چه بشود برای کارکنان دفتري و تهریری در نظر گرفته شد که چون قانون استخدام اداری مجلس تصدیق همان را مدرک قرار بدهند و از روی آن زمینه سازی بکنند چون سال سوم است و باید اضافه حقوقی داد و از روی همان اضافه حقوق داده شود . در هیئت رئیسه هم همین طور تصویب شد و هیئت رئیسه نسبت باجز دفتري اداره راجع به مستخدمین جزء در ماده پنجاه و دو قانون استخدامی که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده بود نوشته شده است که راجع به مستخدمین جزء هیئت رئیسه قواعدی را منظور و ترتیب خواهند داد و در قانون چیزی منظور نشده بود

هفت هزار نهند و هجده تومان و پنجقران و نوزده شاهی هواند آن بوده و در مقابل هزار و چهارصد و سی و دو تومان دو عباسی مصادف بود موسسه از روز صد و هفتاد و چهار تومان و هشت قران چهار عباسی بابت حقوق بوده است که جمعاً پنج هزار و چهار صد و شش تومان و دو قران و چهار عباسی مخارج آن بوده است عایدات خالصه آن سه دوازده و یازده تومان و شش قران و یازده شاهی بوده است . در سال ۱۳۰۱ دوازده هزار و سیصد و شصت و هفت تومان و صد دینار هواند مطبعم بوده از این مبلغ خرج شده است شش هزار و هشتصد و شانزده تومان و نه قران و يك عباسی عایدی خالصش پنج هزار و نصد و پنجاه تومان و نهصد و پنجاه و هشت تومان و سه قران و یکشاهی هواند بوده و یازده هزار و نهصد و هفتاد و نه تومان و هفت قران و هفت قران و نهصد و پنجاه و دو قران و عایدی خالصش دوازده هزار و هفتاد و هشت تومان و هشت شاهی در سال گذشته یعنی سنه ۱۳۰۲ چهل و سه هزار و هشتصد و پنجاه و یک قران و صد و پنجاه و دو شاهی و چهار تومان و پنج قران و هفده شاهی مخارج شده عایدی خالص بیست هزار و سیصد و هشتاد و دو تومان پنج شاهی . این حساب تا آخر سال گذشته بوده است . اثاتی که کلیتاً برای آنجا خرید شده است غیر از آنچه قبلاً گفته ام اول آورده اند از این قرار است در سه هزار و سیصد و سه هزار و صد و چهار قران و پنج شاهی . در سال ۱۳۰۱ فقط صد و بیست و پنج تومان و پنجقران و سه عباسی اثاتی خریداری شده است در سال ۱۳۰۲ چهل و پنج هزار و صد و ده تومان سه قران و چهار صد و هفتاد و پنج دینار اثاتی خرید شده است . در سال ۱۳۰۲ يك اعتبار بیست هزار تومان بوده است که در ضمن بوجه آمده است و بعضی صورتهای اثاتی و گرانهایش از دست و برن هنر نوزده شده است تکمیل باشد و بعضی آقایان برسانه آن هم در حدود بیست و چهار پنج هزار تومان خواهد بود . این بود شرح راجع به مطبعم مجلس و کلیه اثاتی اش که خرید شده است . و راجع به مطبعم مجلس خیلی صحبت هادراین مدت گفته شده بوده و خیلی اعتراضات هم از طرف یکدسته که ذرفع در مطابع هستند شده است . بنده هم در سهم خودم عرض میکنم بدیهی است مطبعم مجلس سکه دائر شده موجب يك ضرری برای مطابع هست برای اینکه يك قسمت از کارهایی که باید بانها برود می آید و این چیز چیزی نیست که بنده حالا عرض کنم همان

روز اولی که وکلا رای دادند میدانستند که این کار میشود حالام می دانند و اداره مباشرت اگر اقدامی که برای تعطیل لوازم مطبعم کرده بر حسب اراده خودش نبوده بلکه بموجب استادی است که در اداره مباشرت هست و در موقع خودش به مرض هیئت رئیسه رسیده است و بموجب مراسلاتی که از طرف وزارت مالیه با اداره مباشرت مجلس نوشته اند و تعطیل مطبعم را برای کارهای دولتی تقاضا کرده اند تمام اینها بر حسب استادی است که در دوسیه ها حاضر است و همان اسناد را آوردیم در هیئت رئیسه تصویب کردند بودجه را و بعد از اینکه مجلس هم تصویب کرد و بعد از این که مجلس هم شروع با اقدام کرد . علاوه ماشین آلاتی که ما تهیه کرده ایم يك قسمت هائی است که در سایر مطابع هست و کار می کنند ولی يك قسمتهائی هم هست که در سایر جاهان نیست ما دوازده ماشین نمبر پست داریم ماشین باندرل است این ها ماشینهای است که بطرز جدیدی ساخته شده و خریده شده است و همچنین ماشینهای قالب ریزی و خط کشی و ماشینهای دیگر است که هیچ نظیر آن در ایران نبود است . در هر صورت اداره مباشرت هر اقدامی کرده مطابق تصویب مجلس بوده و بعد از آنکه مجلس اجازه داده است اداره مباشرت فقط نمیتوانسته است توجه کند که آن تصویبی مجلس را بطور صحت بوقع اجری بگذارد و اگر غیر از این میکرده است خطا میکرده و اگر غیر از این میکرده مورد اعتراض در سال ۱۳۰۱ فقط صد و بیست و پنج تومان و پنجقران و سه عباسی اثاتی خریداری شده است در سال ۱۳۰۲ چهل و پنج هزار و صد و ده تومان سه قران و چهار صد و هفتاد و پنج دینار اثاتی خرید شده است . در سال ۱۳۰۲ يك اعتبار بیست هزار تومان بوده است که در ضمن بوجه آمده است و بعضی صورتهای اثاتی و گرانهایش از دست و برن هنر نوزده شده است تکمیل باشد و بعضی آقایان برسانه آن هم در حدود بیست و چهار پنج هزار تومان خواهد بود . این بود شرح راجع به مطبعم مجلس و کلیه اثاتی اش که خرید شده است . و راجع به مطبعم مجلس خیلی صحبت هادراین مدت گفته شده بوده و خیلی اعتراضات هم از طرف یکدسته که ذرفع در مطابع هستند شده است . بنده هم در سهم خودم عرض میکنم بدیهی است مطبعم مجلس سکه دائر شده موجب يك ضرری برای مطابع هست برای اینکه يك قسمت از کارهایی که باید بانها برود می آید و این چیز چیزی نیست که بنده حالا عرض کنم همان

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ۱۲۴۷

روز اولی که وکلا رای دادند میدانستند که این کار میشود حالام می دانند و اداره مباشرت اگر اقدامی که برای تعطیل لوازم مطبعم کرده بر حسب اراده خودش نبوده بلکه بموجب استادی است که در اداره مباشرت هست و در موقع خودش به مرض هیئت رئیسه رسیده است و بموجب مراسلاتی که از طرف وزارت مالیه با اداره مباشرت مجلس نوشته اند و تعطیل مطبعم را برای کارهای دولتی تقاضا کرده اند تمام اینها بر حسب استادی است که در دوسیه ها حاضر است و همان اسناد را آوردیم در هیئت رئیسه تصویب کردند بودجه را و بعد از این که مجلس هم تصویب کرد و بعد از این که مجلس هم شروع با اقدام کرد . علاوه ماشین آلاتی که ما تهیه کرده ایم يك قسمت هائی است که در سایر مطابع هست و کار می کنند ولی يك قسمتهائی هم هست که در سایر جاهان نیست ما دوازده ماشین نمبر پست داریم ماشین باندرل است این ها ماشینهای است که بطرز جدیدی ساخته شده و خریده شده است و همچنین ماشینهای قالب ریزی و خط کشی و ماشینهای دیگر است که هیچ نظیر آن در ایران نبود است . در هر صورت اداره مباشرت هر اقدامی کرده مطابق تصویب مجلس بوده و بعد از آنکه مجلس اجازه داده است اداره مباشرت فقط نمیتوانسته است توجه کند که آن تصویبی مجلس را بطور صحت بوقع اجری بگذارد و اگر غیر از این میکرده است خطا میکرده و اگر غیر از این میکرده مورد اعتراض در سال ۱۳۰۱ فقط صد و بیست و پنج تومان و پنجقران و سه عباسی اثاتی خریداری شده است در سال ۱۳۰۲ چهل و پنج هزار و صد و ده تومان سه قران و چهار صد و هفتاد و پنج دینار اثاتی خرید شده است . در سال ۱۳۰۲ يك اعتبار بیست هزار تومان بوده است که در ضمن بوجه آمده است و بعضی صورتهای اثاتی و گرانهایش از دست و برن هنر نوزده شده است تکمیل باشد و بعضی آقایان برسانه آن هم در حدود بیست و چهار پنج هزار تومان خواهد بود . این بود شرح راجع به مطبعم مجلس و کلیه اثاتی اش که خرید شده است . و راجع به مطبعم مجلس خیلی صحبت هادراین مدت گفته شده بوده و خیلی اعتراضات هم از طرف یکدسته که ذرفع در مطابع هستند شده است . بنده هم در سهم خودم عرض میکنم بدیهی است مطبعم مجلس سکه دائر شده موجب يك ضرری برای مطابع هست برای اینکه يك قسمت از کارهایی که باید بانها برود می آید و این چیز چیزی نیست که بنده حالا عرض کنم همان

دوره پنجم

رئیس - اختصار نظامنامه دارید . مصدق السلطنه - راجع باظهارات آقای ارباب کیخسرو که توضیحات دادند می خواهم عرض کنم . رئیس - پس اگر اختصار است بنده بفرمایند . مصدق السلطنه - راجع بمذاکراتی که ایشان فرمودند میخواستم عرض کنم . رئیس - اشخاص دیگر قبل از حضرتعالی هستند و اگر بشما اجازه بدهیم شاید آقای شیروانی ایراد کنند . مصدق السلطنه - بموجب ماده صد و نه بدون رعایت نوبت اجازه نطق میخواهم . رئیس - نعمت یا افترا می زده شده است . مصدق السلطنه - آقای ارباب اشتباه کرده اند . رئیس - ماده صد و نه نظامنامه داخلی قرائت میشود . (شرح آتی خوانده شد) ماده صد و نهم - اگر در ضمن مباحثات و نطق افترا و تهمت بیکی از نمایندگان زده یا عقیده و اظهار او برخلاف واقع چاره داده شود و نماینده مذکور برای تبرئه و رفع اشتباه اجازه نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد . رئیس - این ماده را تصدیق میفرمائید که در باره آقای ارباب کیخسرو تصدیق می کنید . مصدق السلطنه - بلی ایشان برخلاف اظهارات بنده بیاناتی فرمودند و فرمایشاتی که فرمودند برخلاف آن چیزی که بنده گفتم می خواستم توضیح بدهم . رئیس - بنده مخالفم که ایشان صحبت بکنند مگر بهمان ترتیب نوبتی اجازه خواسته شده . رئیس - آقای دادگر (اجازه) دادگر - عرض بنده را آقای مصدق - السلطنه فرمودند که آن گزاف بودن و خارج مطبعم مجلس است حالا آن قسمت حساب و محاسبه و شیفر و عذرش را لازم نیست عرض کنم ولی يك موضوعی را میخواهم عرض کنم و آن این است که يك لایحه منتشر شده و توجه ما را هم جلب کرد باینکه این اقدام مجلس در آوردن مطبعم بیک نوع وقفه بچریان تجارنی و زنده گانی هزار نفر وارد آورده است مجلس شورای ملی اگر میخواهد از هر جهت زنده گانی منظم باشد و مطبعم داشته باشد باید بحالت و وضع اقتصادی مردم اهمیت بدهد .

بنده خیال میکنم این رقابتی که در قسمت مطبوعه پیش آمده است بر خلاف سؤال مجلس شورای ملی است به این جهت باین موضوع عقیده ندارم. جمعی از نمایندگان - علما کرات کافی است. رئیس - رأی گرفته میشود برای شور در مواد آقایانی که موافقت بقیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شده چند دقیقه تنفس (درین موقع جلسه برای تنفس تعطیل روس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) وزیر فواید عامه - بنده میخواستم از طرف دولت از نمایندگان محترم استعلام کنم که چون شور اول قانون نظام اجباری تمام شده و رأی آن هم از کمیسیون نظام صادر شده است و امروز غروب ما باین نمایندگان محترم توزیع خواهد شد. برای روز سه شنبه قانون نظام اجباری را جزء دستور بگذارند و نظر باینکه امینواری برود در یکی از دو جلسه این قانون تمام شود. از طرف دیگر قانون میزبانی هم جزء دستور است و مهم هم هست لذا ممکن است یک دردمیان شود یعنی روز سه شنبه قانون نظام اجباری باشد روز شنبه قانون میزبانی روز بعد باز قانون نظام اجباری تمام شود. رئیس - ماده اول قانون بودجه مجلس قرائت میشود. وزیر فواید عامه - مسئله قانون نظام اجباری قبول شد؟ رئیس - دستور را در آخر جلسه همین میکنند. (ماده اول بودجه مجلس بشرح ذیل خوانده شد) ماده اول - برای معارج ۱۲ ماهه اول ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی (با استثنای مقرری نمایندگان محترم که ۱۱ ماهه است) مبلغ سیصد و شصت هزار و شصت و چهار تومان موافق مقررات (۱) الی (۴) ضمیمه (۱) اعتبار با اداره مباشرت مجلس شورای ملی داده میشود. رئیس - در ماده اول ضمیمه مخالفی هست یا نه؟ آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - اولاً بنده اینطور احساس کردم که اظهارات مخالفین با اظهارات بعضی از ماها که صحبت نکردیم شاید یک سوء تفاهمی در ذهن آقایان ایجاد کرده باشد و این را قبلاً بنده لازم میدانم رفع کنم. بنده شخصاً خودم یکی از اشخاص هستم که بتمام محترم ریاست و هیئت رئیس و

اداره مباشرت و مخصوصاً شخص آقای ارباب کیخسرو نهایت اعتدال را داشته‌ام و دارم و با ایشان هم رأی داده‌ام و این از رأی هم که در اینجا نوشته شده تمام را صبح می‌دانم و هیچ اختلافی هم در اصل قضیه نیست. ممکن است یک مجلس بیک دولتی اعتماد داشته باشد و فقط بایکی از مؤسسات یکی از ادارات دولتی مخالف باشد آن وقت بدولت تذکر میدهند و می‌گویند این را من زیاد میدانم و باید حذف شود. پس این دلیل این نیست که ما نظر سومی داشته باشیم. بنده مخصوصاً لازم می‌دانستم رفع این سوء تفاهم را در عرایض خودم بکنم. در لایحه یک دو از دهم که بمجلس می‌آید یا سایر لواحق که مربوط بودجه است از اشخاص که همیشه مخالفت میکنند یکی بنده هستم و مخالفت اساسی هم نداریم که مملکت نباید بودجه داشته باشد. فقط یک اختلافات نظری است که ما در بودجه مملکتی همیشه اظهار می - کرده‌ایم و میکنیم. ولی اگر ما خواسته باشیم همیشه اعتراضات خودمان را ببودجه مملکتی بکنیم که در مقابل مادولت استاده است و بودجه خودمان را بامصارف بگذرانیم گمان میکنم این اثرات خوبی در خارج نداشته باشد لذا همانطوریکه ما در بودجه مملکتی و در شهریه و در تومانی و پنج تومان و سه تومان نهایت دقت را میکنم همانطور هم باید در بودجه مربوط بخودمان نهایت دقت را بکنیم. پس بنا بر این یک مخالفتهای اساسی در اینجا نیست ما میگوئیم در بودجه یک قدری بیشتر باید دقت کرد. یکی از آقایان نمایندگان در چند روز قبل میگفت من میخواهم یک منزلی در این نزدیکی های مجلس برای خودم بکنم. چون راهم دور است و یک حملاتی از تمام طبقات از قبیل متحصصین و کارگر و غیره این میشود و من زودتر از این حملات میخواهم فرار کنم چون نمی‌توانم جواب بدهم. این عدم رضایتی که در خارج نسبت به مجلس هست خدای نخواسته نسبت با اشخاص که نیست و با اشخاص هم هیچکس غرض ندارد و همه آقایان را هم خوب میدانند لکن یکی از موضوعات ممکن است مطابق میل یک طبقه و یک دسته نباشد و مجلس هم بآن رأی بدهد آن طبقه و آن دسته حق آن گله را از آنها سلب کرد پس اگر ماها که نسبت بمطابع مخصوصاً اطلاعاتی بیشتر از سایر آقایان داریم اطلاعات خودمان را بگوئیم و بمجلس عرضه بداریم و مطالب آن اشخاصی را که بیا گفته‌اند بگوئیم این برای ما عیبی نیست ماحق داریم از طرف

یک عده اشخاصی که با ما ارتباطشان بیشتر است. (امروز هم موقعش هست و الان مجلس میخواهد چهل هزار تومان بودجه برای مطبوعه مجلس تصویب کند) عرض می‌کنم که یک عده در خارج هستند و میگویند این بودجه سنگینی که اختصاص بیک مطبوعه داده میشود مخالف منافع یک دسته دوسه هزار نفری است این را میخواهم شرح بدهم که چیست. ممکن است مادرست نفهمیده باشیم یا آنها درست نفهمیده باشند و ممکن هست که آقایان اطلاع کامل نداشته باشند و مطلع بشوند. بنده تصور میکنم در هیچ کجای دنیا سابقه نداشته باشد که دولت با مؤسسات تجارنی و اقتصادی رقابت کند. رئیس - این مسئله مربوط بماده اول نیست. شیروانی - در اینجا چون اجازه بنده محفوظ است راجع بقرعه بعد یک نظری دارم که عرض میکنم بعد نظر بر آن نسبت بمطابع عرض خواهم کرد. و آن اینست که امروز تمام مملکت مطبوعه قانون استخدام کشوری هستند و یک دسته از اعضای این مجلس تکلیفشان معلوم نیست. یک لایحه ما آوردیم در مجلس و یک شور هم شد و شور دوم آن همین طور باقی است بنده میخواستم از ممبر محترم سؤال بکنم این حقوق رتبه بندیهای که شده است از روی چه قانونی بوده؟ بنده موافقم که ما بیائیم یک ماده واحد بگذرانیم که اعضاء اجازه مجلس هم مشمول قانون استخدام کشوری باشند و آنوقت بر طبق همان قانون رتبه بندی کنیم و یک حقوقی برای آنها قائل شویم یا اگر مجلس صلاح نمیداند که اجزای داخلی خودش را مشمول قانون استخدام کشوری بداند بنده عقیده داشتم که قبلاً ما بایستی قانون استخدام مستخدمین مجلس را در اینجا تصویب کنیم تا بودجه که بآن رأی میدهم بدانیم این رتبهها بچه ترتیب رتبه بندی شده و آیا در حق یک کسی عدالت شده است یا در حق کسبی عدالت نشده است و بنده از این موضوعات اطلاع ندارم فقط میدانم یک عده اعضاء و اجزائی هستند که از قدیم در مجلس کار میکنند ولی هنوز متأسفانه یک قانون استخدامی برای آنها تهیه نکرده‌ایم. میخواستم به بنیم کمیسیون در این باب چه نظری اتخاذ کرده است. ممبر - البته مسیوق هستند که قانون استخدام اعضاء مجلس ظاهراً یک شورش تمام شده و این حقوق هائی که داده شده

است کاملاً مطابق با همان قانون استخدامی است که یک شور آن از مجلس گذشته است و آن قانون هم مطابق میکند با اول حقوقات قانون استخدام کشوری و هیئت رئیس خودش را مجبور دید یا اعضائی که دو سال است اضافه حقوق نگرفته‌اند یک اضافه بدهد. از روی چه قانونی بنده؟ از روی قانون استخدام کشوری حقوق بدهد؟ که مجلس یک قانون علیحده برای اعضاء خودش قائل شده است و نمیتوانست عمل کند لذا بر طبق همین قانون که یک شور آن گذشته است بیک حقوقی داده شده است و نسبت با حدی هم تبعیض نشده و رتبه های هر یک از اعضاء را با آن قانون مطابقت کرده‌اند و با آنها اضافه حقوق داده‌اند و کاملاً هم از روی عدالت بوده است. **جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است** رئیس - رأی گرفته می‌شود بماده اول آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شده ماده دوم (اینطور خوانده شد) ماده دوم - برای مصارف فوق العاده مجلس شورای ملی بیست و هفت هزار و هشتصد تومان موافق ماده ۲ ضمیمه (۱) تفهیم و اعتبار با اداره مباشرت مجلس داده میشود. رئیس - آقای قائم مقام (اجازه) قائم مقام - در این ماده می‌نویسد: برای مصارف فوق العاده مجلس شورای ملی مبلغ بیست و هفت هزار و هشتصد تومان موافق ماده (۲) ضمیمه (۱) تفهیم و اعتبار با اداره مباشرت مجلس داده میشود. آنگاه در توضیحش مینویسد: تهیه نوافس انانیه و تمبیرات و بنائی و اعتبار کتابخانه و غیره بیست و هفت هزار و هشتصد تومان آنوقت باز در تفسیرش می‌نویسد: تهیه نوافس و اعتبار کتابخانه و غیره بیست و هفت هزار و هشتصد تومان آنوقت بنائی چهار هزار تومان تعمیرات و بنائی چهار هزار تومان اعتبار کتابخانه برای تهیه انانیه و کتب پنج هزار تومان. این رتبهها بچه ترتیب رتبه بندی شده و آیا در حق یک کسی عدالت شده است یا در حق کسبی عدالت نشده است و بنده از این موضوعات اطلاع ندارم فقط میدانم یک عده اعضاء و اجزائی هستند که از قدیم در مجلس کار میکنند ولی هنوز متأسفانه یک قانون استخدامی برای آنها تهیه نکرده‌ایم. میخواستم به بنیم کمیسیون در این باب چه نظری اتخاذ کرده است. ممبر - البته مسیوق هستند که قانون استخدام اعضاء مجلس ظاهراً یک شورش تمام شده و این حقوق هائی که داده شده

بوده است فقط سه هزار و یازصد تومان فرق کرده که حالا توضیحش را عرض میکنم: اعتبار فوق العاده برای اموری است که در مطبوعه پیش آمد میکند که پیش بینی نشده و سابق هم بوده است اما همیشه است که اضافه شده است عرض میکنم چون ما بیشتر روزه خوانی را از محل جرأتم میکردیم حالا که جرأتم را در این دوره آورده‌ایم جزء هایدات این مبلغ پیش بینی شده است اما اعتبار خصوصی اگر نظر تران باشد آقای آقا سید بقوب اعتراض کردند که چرا حقوق کارکنان جزه را علاوه نکرده‌ایم و بنده توضیح دادم که ما برای مستخدمین جزء سر برج اضافه حقوق قائل شده‌ایم. یکی هیدی و یکی ماه مبارک رمضان و یکی هم زمستان که در اینجا بعنوان اعتبار خصوصی نوشته شده است که آن هم باز بنظر مجلس است که اگر مجلس محترم رأی بدهد همانطور رفتار می‌شود. **جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است** رئیس - رأی گرفته می‌شود بماده دوم مبلغ بیست و هفت هزار و هشتصد تومان آقایانی که تصویب می‌کنند قیام فرمایند (ماده کثیری قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده سوم (بشرح ذیل قرائت شد) ماده ۳ - برای حقوق و معارج دوازده ماهه و انانیه مطبوعه مجلس مبلغ چهل هزار و هشتصد و دو تومان فقرات ۱ و ۲ ضمیمه ۱ اعتبار با اداره مباشرت مجلس داده میشود. رئیس - آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - بنده عرض کردم که در هیچ جای عالم سابقه نداشته است که رقابت تجارنی با یک مؤسسات اقتصادی و مخصوصاً موسساتی که مربوط بمصارف است بکنند آن هم نسبت بیک عده اشخاصی که در حقیقت سالهای سال آمده‌اند و زحمت این کار را کشیده‌اند و خسارت این کار را کشیده و خسارت این کار را کرده‌اند و مردم یک قدری متوجه شده‌اند و اینکار باید اوراق چاپی داشته باشد و کارهایشان منظم باشد و در واقع موقع استفاده این کار است. اینها را بکرتبه اجازه بدهیم مردم شوند! در این جا بعضی آقایان از مزایای این مطبوعه فرمودند و گفتند که این مطبوعه تیر چاپ می‌کند و مخصوصاً آقای ممبر فرمودند که مایه‌های خودمان را می‌دهیم بمطبعه هارن بنده عرض می‌کنم دولت انگلستان و فرانسه و تمام دول مقصد دنیا که مطابع

بزرگ و وسائل مهم هم دارند غالباً تیر خودشان را میدهند بهمان مطبوعه و این هم در نتیجه یک مسائلی است که فعلاً از موضوع بحث خارج است و اهل فن میدانند حالا ما از تمام ممالک جلو افتادیم و میخواهیم خودمان تیر چاپ کنیم! فرمودند تیر باین خوبی چاپ می‌شود بنده استند اما این تمام آقایان که فرمودند و تیر های پست ترین دول دنیا را پیدا کنند به بنده باین کیفیت است؟ یک کاغذ سبزی است که روی آن نوشته است سیصد دینار ما این را یکی از صنایع مهم خودمان فرض کرده ایم در صورتیکه کلیشه سازهای همین جا (سلیمان نامی است کلیشه ساز که یک مرتبه دیگر هم همین طور در ایران فعلی تیر شده بود مجبور شده بود خودشان در مطابع تیر تهیه کنند و این شخص یک کلیشه خیلی بهتر و قشنگتر تهیه کرده تیر چاپ کردند در سایر مطابع هم طبع می‌کنند و بالاخره این یک کار مهمی که نیست. ممکن است بعضی از آقایان از مطابع و ترتیب کلیشه سازی اطلاع نداشته باشند ولی این یک چیزی است که فن ما است کلیشه درست کردن یک کاری است که در این مملکت چند نفر متخصص دارد که خیلی هم خوب می‌کنند. منتهی رنگ مرکبش سیز است پس این مسئله یک کار خیلی مهمی نیست که که یکی از مزایای این مطبوعه که در دفتر متخصص آلمانی هم دارد باشد و یک کارهای بزرگی کرده باشد مطبوعه باقر زاده که یکی از مطابع هادی این شهر است در شب چهار روز نامه که هر کدام دارای چهار صفحه یعنی شانزده صفحه است روزنامه می‌دهد حرفش هم عیناً با همین سبب و شاید از همین کارخانه است چنانچه همین روزنامه‌ها ملاحظه می‌فرمایند اغلب مطبوعات دولتی و تجارنی که سابقاً باین مطابع داده میشد در نهایت نظافت از عهده برمی‌آمدند راجع بقیمت هم ملاحظه کنید در همان ورقه که نوشته‌اند اظهار کرده‌اند که حساب کنید بودجه‌ها که مجلس برای مطبوعه در نظر گرفته است یا قبل از آن وقتی که مطبوعه کارهای دولتی را قبول میکرد است آن اندازه که دولت بمطابع میداده است به بنده اگر زیاد تر نداده ما حرفی نداریم با وجود این حال پیش نهاد داده‌اند بهمان مبلغی که الان مطبوعه چاپ می‌کند بهتر و نظیف تر تمام میکنند چهارده یا نوزده مطبوعه مهم و شاید مطابع کوچک دیگر آنها هم حاضرند که این کار را اداره کنند

فرض میکنم که دولت از نقطه نظر صرفه جویی این کار را کرده‌اند آن اثری راهم که آقای دادگر فرمودند در نظر نگرفت و گفت من از نقطه نظر صرفه جویی مطبوعات خود را خودم چاپ میکنم مجلس شورای ملی که جنبه ملیت دارد همیشه باید از حقوق آحاد و افراد ملت ملت دفاع کند چه مناسبت دارد که مطبوعه باز کند بیایه رقابت کند با دوزخ را نرف که میخواهند از این مردمان بخورند؟ یک چیز عجیبی بنده عرض می‌کنم آقایان می‌توانستند بفرمایند که دولت آزاد است خودش میخواهد کارهای خودش را تهیه کند کسب آزاد است! کسب برای کی آزاد است؟ بنده فرض میکنم کسب برای مردم آزاد است که خودشان کسب کنند. دولت حق ندارد بپاید و کان در مقابل دکانهای مردم باز کند و یک عده را مدوم کند. این حق در هیچ جای دنیا تصدیق شده باشد آقای ارباب یک توضیحی فرمودند راجع بخارج و هایدات و بالاخره بیاناتی که ایشان فرمودند جواب بیانات آقای مصدق السلطنه نبود برای اینکه بنده درست یادم است که سال گذشته ما در اینجا پنجاه و چند هزار تومان اعتبار تصویب کردیم سال بعدش هم چهل هزار تومان حالا هم چهل هزار تومان آمده است به مجلس که ما تصویب کنیم این تقریباً در حدود صد و چهل هزار تومان میشود تمام آن حسابهایی را که فرمودند دو سالش که منفعت داشته‌مال آن مطبوعه قدیمی دولتی بوده آن دو سال که منفعت داشته دوازده هزار تومان عایدی داشته و شش هزار تومان خرج بعد معکوس شده صد و چهل هزار تومان اعتبار داده‌اند و خرج هم شده و در مقابل آن قدر عایدی نداشته است. عایدش همان بود که ارباب گفتند. می‌فرمایند این سرمایه است بنده عرض می‌میکم حروف جزء سرمایه مطبوعه نیست زیرا حروف بعد از چند مدت که کار کرد یک مشت فلز بی قیمتی خواهد شد که هر قیمت روز اول را خواهد داشت زیرا باید دومرتبه آن فلز را ببرند در یک کارخانجاتی و یک مواد دیگری هم بآن مخلوط کنند و از نو بریزند تا دومرتبه سرمایه بشود و بالاخره حروف از بین می‌رود و جزء سرمایه محسوب نمیشود. سرمایه آن چیزی است که باقی بماند و خرج آن چیزی است که در مقابل منفعت میشود حسانت کرد که آخر کار یعنی سال و ده سال بعد که حساب میکنند دولت ضرر نکرده باشد. قطع نظر از اینکه این مطبوعه مطابق عدد و حسابی که اینجا نوشته‌اند ضرر کرده است و مطابق آن پولهایی که در

جزو بودجه تصویب شده است هایدات نداشته است. حالا فرض میکنم که هایدات هم برای دولت داشته است مگر دولت غیر از ملت است. بالاخره دولت نماینده ملت است باید منافع عامه ملت را محفوظ نگاهدارد خودش یا بکسرا مثلا یک قدری ارزان تر چاپ میکند در صورتیکه این مالیات را از خود ملت بگیرد و نتیجه طبع آن کاغذها هم برای ملت این است که شما یک کاغذ می‌نویسید راجع به آله فلانجا شش ماه بعد جواب بشما میدهند. که اقدامات لازمه شده و خواهد شد حالا میخواهید این کاغذ را ارزانتر تمام کنید نتیجه این میشود که چهارده مؤسسه ملی که هر کدام از بیست الی هشتاد نفر را نان میدهند مدوم شود برای چه؟ برای اینکه دولت پاکت را میخواهد هزاری یک قران ارزانتر چاپ کند و بالاخره وقتی بیائیم داخل حساب شویم می‌بینیم که مضراتی دارد این است که بنده مخصوصاً نظر آقایان را باین نکته جلب میکنم که در این موضوع دقت فرمایند و ببینند اگر ارباب مطابع مطالبشان روی یک امداد و حسابی است گوش برایشان بدهند حالا میفرمایند این مطبوعه را چهار بکنیم بنده عرض میکنم بیست و چهار ساعت آن اندازه‌اش که برای طبع و انتشار اوراق مجلس است موضوع میکنم یعنی یک ماشین دستی بادوسه خروار حروف با نهائیت خوبی کارهای مجلس را انجام بدهد بقیه‌اش را بدون متخصص آلمانی تمام مطابع حاضرند بیایند و پول آقایان را بدهند و مجلس را از شغل تجارنی و کارواش کنند ممبر - عرض میکنم این اظهاراتیکه فرمودید بیکسرت از اینها قبلاً کرده‌ام و بطور کلی بنده نمیخواهم داخل در جزئیات شوم زیرا آقایان موافقین هم می‌خواهند صحبت کنند عرض میکنم اگر نظر تران رفاهیت حال مطبوعات و کارگران مطابع است باید بدانید که بیکسرت از آنها در همین مطبوعه مجلس مستخدم هستند این اشخاص را از خارج تیار کرده‌اند اینها از همان حروف چنها هستند و بنده خودم بیست و نه سال قدر این هستم که کارگران مطبوعه در نهایت رفاهیت و آسودگی باشند و دچار ورشکستگی نشوند ولی ایشان بدانند که اگر مطبوعه از اینجا خارج شود دست دولت افتاد تمام مطابع را باید در شرا ببندند و بر روندلش هم این است که امروز این مطبوعه روزنامه تیر چاپ میکند و نه اوراق تجارنی و کار هم منحصر بکار دولتی نیست سایر مردم هم کار دارند کتاب چاپ میشود روزنامه چاپ می‌شود اوراق تجارنی چاپ میشود سایر مطابع هم اگر کار کنند باز تصور میکنم بی کار نمانند اما در مقابل اگر این مطبوعه برود بیرون

و بدست مالیه بقیه گمان میکنم بصره اینها تمام نشود صلاح این است که مطبوعه در مجلس باقی ماند اما راجع بشیر هم که فرمودند تمبر کثیف عرض میکنم گرچه ماشینهایش عقاب است که در آیه تمبر بارنگهای خیلی خوب در همین جا چاپ میشود ولی یک اصل دیگر هم هست و آن این است که کهن جامه خورشید بر استن به از جامه عاریت خواستن و بنده عقید دارم که همین تمبر کثیف را کتا کنیم و امتحان کنیم که در ملک خودمان چه می شود **جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافیه است

داشتن مجلس شورای ملی می خواهم یک همچو مطبوعه که چهل هزار تومان خرج دارد نداشته باشیم **رئیس** - رأی می گیریم پیشنهاد آقای دادگر

که جرائم من پرورد در فلانجا و در کجا تقش و تحقیق کنند و از کجا خارج شود بنده این رانقض حیثیت مجلس و کلامی دائم و حقیقتاً این را یک خیانتی بعقوبت مجلس میدانم که ما بخواهیم بگوئیم حقوق مجلس و کلاجه جزو عوارض دولت بیاید بعنوان اینکه در فلان ماده قانون اساسی همچو نوشته شده است و در فلان نظامنامه همچو نوشته شده است

خیانت روش گذاشته شود این مسئله برعلی بدولت ندارد این مسئله استقلال محاسبات مجلس را لطمه وارد نمیکند مجلس یک عایداتی دارد و یک مخارجی که کسرش راهم از خزانه دولت باید بگیرد

چند فقره پیشنهاد رسیده است که باید قرائت شود (شرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد میکنم که ماده سوم یکسویون بر گردد که تجدید نظر نمایند و بوضعی که نظریات نمایند کارا نامین نماید تدارک و دو باره به مجلس اعاده میشود

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

پیشنهاد آقای دادگر - بنده پیشنهاد نهاد میکنم که ماده ۳ یکسویون مراجع شود نظریات مخالفین را مطالعه نموده زایورت خود را تقدیم مجلس نمایند

رایت شود • **مقیده بنده** آن اصلی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند صحیح است اما اگر بخواهیم کار بر اداریان درست بشود دلیلش این نیست که یک حقوق حقه که پنج دوره است مال و کلاسات بهم رسد تا مالیه بگیرند با یکساعت پشت دستی تشریف بیاورند در راهرو مجلس و حاضر و غایب کنند که بالاخره پنجشاهی دهشاهی یا یکتومان یا دو قران از ما بخواهند جریمه بگیرند

آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد • قسمت دوم (اینطور خوانده شد) مجلس شورای ملی با اجازه مباشرت مجلس اجازه میدهد که جرائم را جزو محاسبات مجلس محسوب دارد

صرفه جویی حساب می شود • **رئیس** - ماده الحاقیه از طرف آقای شیروانی رسیده است قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد) ماده الحاقیه - وجه جرائم با تصویب مجلس در تحت نظر مباشرین به مصرف خواهد رسید

بنده این اصل را معتقد نیستم و همانطور که تا بحال معمول بوده است و آقایان و کلا هر کس را که مستحق میدانستند به اومی دادند و یک عدد مردم هم به بردشان می خورد حالا هم همانطور کنند و بنده مخالفم که این حقوق امروز از دست ما گرفته شود

بنده این اصل را معتقد نیستم و همانطور که تا بحال معمول بوده است و آقایان و کلا هر کس را که مستحق میدانستند به اومی دادند و یک عدد مردم هم به بردشان می خورد حالا هم همانطور کنند و بنده مخالفم که این حقوق امروز از دست ما گرفته شود

بنده این اصل را معتقد نیستم و همانطور که تا بحال معمول بوده است و آقایان و کلا هر کس را که مستحق میدانستند به اومی دادند و یک عدد مردم هم به بردشان می خورد حالا هم همانطور کنند و بنده مخالفم که این حقوق امروز از دست ما گرفته شود

بنده این اصل را معتقد نیستم و همانطور که تا بحال معمول بوده است و آقایان و کلا هر کس را که مستحق میدانستند به اومی دادند و یک عدد مردم هم به بردشان می خورد حالا هم همانطور کنند و بنده مخالفم که این حقوق امروز از دست ما گرفته شود

بنده این اصل را معتقد نیستم و همانطور که تا بحال معمول بوده است و آقایان و کلا هر کس را که مستحق میدانستند به اومی دادند و یک عدد مردم هم به بردشان می خورد حالا هم همانطور کنند و بنده مخالفم که این حقوق امروز از دست ما گرفته شود

بنده این اصل را معتقد نیستم و همانطور که تا بحال معمول بوده است و آقایان و کلا هر کس را که مستحق میدانستند به اومی دادند و یک عدد مردم هم به بردشان می خورد حالا هم همانطور کنند و بنده مخالفم که این حقوق امروز از دست ما گرفته شود

بنده این اصل را معتقد نیستم و همانطور که تا بحال معمول بوده است و آقایان و کلا هر کس را که مستحق میدانستند به اومی دادند و یک عدد مردم هم به بردشان می خورد حالا هم همانطور کنند و بنده مخالفم که این حقوق امروز از دست ما گرفته شود

بنده این اصل را معتقد نیستم و همانطور که تا بحال معمول بوده است و آقایان و کلا هر کس را که مستحق میدانستند به اومی دادند و یک عدد مردم هم به بردشان می خورد حالا هم همانطور کنند و بنده مخالفم که این حقوق امروز از دست ما گرفته شود

بنده این اصل را معتقد نیستم و همانطور که تا بحال معمول بوده است و آقایان و کلا هر کس را که مستحق میدانستند به اومی دادند و یک عدد مردم هم به بردشان می خورد حالا هم همانطور کنند و بنده مخالفم که این حقوق امروز از دست ما گرفته شود

بنده این اصل را معتقد نیستم و همانطور که تا بحال معمول بوده است و آقایان و کلا هر کس را که مستحق میدانستند به اومی دادند و یک عدد مردم هم به بردشان می خورد حالا هم همانطور کنند و بنده مخالفم که این حقوق امروز از دست ما گرفته شود

بنده این اصل را معتقد نیستم و همانطور که تا بحال معمول بوده است و آقایان و کلا هر کس را که مستحق میدانستند به اومی دادند و یک عدد مردم هم به بردشان می خورد حالا هم همانطور کنند و بنده مخالفم که این حقوق امروز از دست ما گرفته شود

بنده این اصل را معتقد نیستم و همانطور که تا بحال معمول بوده است و آقایان و کلا هر کس را که مستحق میدانستند به اومی دادند و یک عدد مردم هم به بردشان می خورد حالا هم همانطور کنند و بنده مخالفم که این حقوق امروز از دست ما گرفته شود

رسیداست قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای بیات - بنده پیشنهاد می کنم که قانون سجل احوال در اول دستور و بعد در نظام اجاری در قسمت ثانی دستور روز پنجمین بشود

پیشنهاد آقای ازباب کیخسرو - بنده پیشنهاد می کنم قانون تفریح بودجه مجلس بیات ۱۳۰۲ جزء دستور جلسه آتی باشد

پیشنهاد آقای نجات پیشنهاد میکنم دستور جسات روز پنجشنبه و بعد قانون نظام اجباری در درجه اول و قانون میزبانی در درجه دوم و تا شود این دو قانون تمام نشود چیزی دیگر جزء دستور نشود

رئیس - آقای بیات (اجازه)

بیات- البته خاطر آقایان مستحضر است که از قانون سجل احوال فقط يك ماده باقی مانده که بکمیسیون مراجعه شده و چون این قانون برای هر قسمت از این قوانین دیگر که وضع می شود لازم است و برای نظام اجباری اسم بدو باید قانون سجل احوال اجرا شود تا بتوانند آن را بشود

این که بنده پیشنهاد کرده که در اول جلسه مطرح شود و يك ماده هم هست و چیزی هم نیست آنکه خانه پیدا کرد آنوقت نظام اجباری مطرح شود

رئیس- رای میگیریم بپیشنهاد آقای بیات آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخواستند)

رئیس- تصویب شد (مجلس بیست ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی م. شهاب منشی دکتر احتشام طباطبائی

جلسه صد و هفتاد و هفتم صورت مشروح مجلس پنجمین چهارم هم خرداد مطابق یازدهم ذیحجه ۱۳۴۴

(مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر ریاست آقای آقا میرزا حسینخان پیرنیا تشکیل گردید)

(صورت مجلس سه شنبه چهارم خرداد را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای میرزائی (اجازه) میرزائی - بنده در دستور عرضی دارم

رئیس - آقای یاسائی بنده قبل از دستور عرضی دارم

رئیس - آقای یاسائی بنده قبل از دستور عرضی دارم

رئیس - آقای یاسائی بنده قبل از دستور عرضی دارم

رئیس - آقای یاسائی بنده قبل از دستور عرضی دارم

رئیس - صورت مجلس مخالفی دارد یا خیر؟

جمع از نمایندگان خیر

رئیس - آقای احتشام الحکماء (اجازه) دکتر احتشام بنده چون از موافقین جدی دولت حاضر بوده موافقت در این جهت نمایندگان خود اگر شکایتی از طرف مردم و موکلین بنده راجع بیک وزارتخانه میشد بهتر میباشد که با آن وزارتخانه داخل مذاکره شده و قضیه را حل و تصفیه نمایم

متأسفانه اداره مالیه در اصفهان و اردستان عملیاتی کرده است و هر قدر هم شکایت کرده اند و مراجعه بوزارت مالیه شده اصلاح نشده

لذا بنده بر حسب مسئولیتی که دارم تکلیف خود را اینطور دانستم که عرض مجلس برسانم تا اینکه مجلس حکمیت کند و وظیفه مجلس شورای ملی الله و رضای اوین و نظارت در اجرای قوانین است وظیفه دولت هم اجرای قوانین مصوبه است

لا یخه میزبرادر دوره چهارم دولت دقت هر که بود تقدیم مجلس کرده است نمیدانم در آن دوره شور اولش شد یا نشد در حال میدانم تمام نشد تا آنکه در دوره چهارم منقضی شد

دوره پنجم موکل شدن فلان چهارده ماه است که تقریباً لایحه میزبانی از طرف دولت تقدیم مجلس شده و شور دوم هم فردا یا پس فردا جزء دستور خواهد شد

در ظرف این چهارده ماه امثالی مالیه بخیال اینکه قانون میزبانی بصوبه مجلس خواهد رسید در اصفهان و اردستان میزبانی می کنند در صورتیکه هیچ وجه من الوجوه مطابق ماده هیچدم قانون اساسی هیچکس بدون تصویب مجلس شورای ملی حق میزبانی ندارد

در چندی قبل که بتوسط بنده و آقای فاطمی تلگرافات شکایتی به مجلس شورای ملی کرده بودند

بنده از وزارت مالیه سؤال کردم که علت میزبانی بدون تصویب مجلس شورای ملی چیست؟

آقای معاون محترم وزارت مالیه در جواب فرمودند از طرف وزارت مالیه اقدامی نشده است

در صورتیکه نمایندگان ولایات همه مطمئنند که در تمام ولایات مشغول میزبانی فیر عادلانه هستند

مجدداً در روز قبل مالکین علی آباد از دهستان شیرخوار اصفهان تلگرافی توسط بنده و آقای شیرانی مخابره نموده و شکایت کرده اند که مأمور در غیاب مالکین رفته است بعلی آباد و میزبانی کرده است و علاوه بر آن مالکین نقدی سنواتی

مالیات جنس مطالبه نموده است

بنده در این موضوع پیش از این وقت مجلس را بفرایش خود مشغول نیکنم همینقدر از مقام ریاست تمی دارم بدولت تذکر بدهند که فعلاً دست از میزبانی بردارند تا اینکه قانون میزبانی از مجلس بگذرد

البته همانطور که مردم حاضر ندانند قانون را بشنایند برای اطاعت این خلاف قانونها حاضر نیستند و در خانهم تذکر میدهم که اگر این رویه که مالیه در دست دارد ادامه بدهد وضعیت مملکت خیلی بد خواهد شد مردم هم ممانع خواهند بود

وزیر مالیه تشریف نداشتند البته وقتی که مطلع شوند خودشان مطابق اطلاعاتیکه دارند جواب خواهند داد ولی بطور کلی میتوان گفت میزبانی کلی محتاج با اجازه مجلس شورای ملی خواهد بود

ولی میزبانی خصوصی مجلسی چون دائماً در جریان است محتاج با اجازه مجلس نخواهد بود

جمع از نمایندگان دستور رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

رئیس - دو ماده از قانون سجل احوال باقی مانده است که باید برای بگیریم

امتیحه مکلف هستند وقوع فوت را با اطلاعاتی که راجع به هویت شخص متوفی بدست می آورند بنزدیکترین دفتر سجل احوال اطلاع دهند راجع باشخصیکه در جنگ گشته و تلف میشود اداره قشونی مکلف است مراتب را با اطلاعات راجعه هویت مقتولین در موقع منقضی بدفتر سجل احوال اطلاع دهد

رئیس قبل از هویت (به) گذارده میشود آقایانی که تصویب می کنند آقایانی تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس تصویب شد پیشنهاد آقای شریعت زاده (بشرح آتی خوانده شد)

نظر باینکه جریان امور مربوطه به دفاتر سجل احوال احوال قبل از وضع این مورد اعتراضات بوده و اعتراضات مترضین که عدم صلاحیت وزراء در وضع قوانین و الزام اهالی بپیوستن از آن بوده در بدای نظر موجه است

نظر باینکه عده زیادی بطیب خاطر در دفاتر سابقه سجل احوال حاضر نشده و بلکه در تحت تاثیر الزام و تعقیب قضائی اشخاص حضور بهم رسانیده ورقه هویت دریافت کرده و کلبه برای عدم وضع قانون از مجلس شورای ملی بر جر بایانات کرده اعتراض نمودند

علیهذا ماده الحاقیه ذیل را بپیشنهاد می نماید ماده یازدهم در موقع از درج اطلاق مأمور سجل احوال سواد از عهده نام باطلاق نامه را با مضای مجری صیغه و مضای دو نفر شاهد گرفته ضبط مینماید

در موردیکه طلاق و مستقیماً از طرف خودزوج واقع میشود اظهار زوج با شهادت دو نفر شاهد کافی خواهد بود

مأمور سجل احوال باید خلاصه مواد مذکور در فوق یا اظهار زوج و شهود را در دفتر مخصوص و در دفتر مخصوص و در ورقه هویت زوجین ثبت کند

ثبت قطعی طلاق به معنی آنستکه تفکیک قطعی شده باشد و در ثبت از درج باید بشود

که دفعه چندم است نمونه نمره ۵ و ۶

رئیس - آقای طهرانی (اجازه) رئیس - مخالفی ندارد

بعضی از نمایندگان خیر رئیس - رای میگیریم

آقایانیکه ماده یازدهم را بترتیبی که قرائت شد تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب برخواستند)

رئیس - تصویب شد ماده سی و سه (اینطور خوانده شد)

ماده ۳۳ در مورد اشخاص که حین مسافرت در راه ها فوت میشوند مأمورین

رئیس - آقای هراتی (اجازه)

عراقی - بنده تصور میکنم امروز که این قانون که اسمش قانون سجل احوال است میگذرد نباید بگوئیم آن ترتیب سابق نقض شود

در سابق يك عده اشخاصی رفته اند ورقه هویت گرفته اند حالا ما میاییم آن اسمی را تلفو کنیم و بگوئیم از نو بروند ورقه هویت بگیرند این ترتیب صحیح نیست

رئیس برای گرفته میشود به ماده الحاقیه پیشنهادی آقای شریعت زاده آقایانیکه قایل توجه مینمایند قیام فرمایند (معمود برخواستند)

رئیس - قایل توجه نشد پیشنهاد دیگر (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای مصدق السلطنه امضاء کننده ذیل ماده الحاقیه را بپیشنهاد مینماید ماده الحاقیه - وزارت مالیه اجباری که محل آن مایندات سجل احوال خواهد بود برای اجرای فوری این قانون با اختیار وزارت داخله میگذارد

مصدق السلطنه - بنده گمان میکنم این پیشنهاد توضیحات زیادی لازم نداشته باشد البته قانون سجل احوال خودش يك مایندانی دارد ولی وصول آن عوائد مدنی طول دارد

برای اجراء شدن فوری این قانون لازم است وزارت مالیه از بابت اعتبار آن به وزارت داخله بدهد و بعد از آن بابت حساب کند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بعقیده بنده قانون سجل احوال که از حال دولت مملکت شروع باجره میشود تا مدتی عوائدی نخواهد داشت و البته برای ایجاد موسسه و تشکیلاتش مخارجی هم دارد و اختصاص دادن منتهای عوائد خود سجل احوال برای مخارج آن بعقیده بنده کافی نیست بهتر این است که مخارج سجل احوال جزء بودجه عمومی بیاید و مخارج آنرا وزارت مالیه بپردازد و عوائدش هم برود

بخوانه مملکتی و این ترتیب راحت تر است این طور که آقای مصدق پیشنهاد کرده اند اسباب این میشود که مدتی تشکیلات سجل احوال تعویق بیفتد و به عقیده بنده این اعتبارات آنها کافی نیست

معاون وزارت داخله این مصارف در جزء بودجه امسال پیش بینی شده است ولی چون اصل بودجه موافق نظر وزارت مالیه نباید از حدود اعتبارات پارسل تجاوز کند و اینهم برای امسال خرج اضافی است و

نظر باینکه بفرورت میخواستیم این قانون را بشناییم با این پیشنهاد موافق هستیم البته خود سجل احوال يك عوائد مدنی خواهد داشت

چون در قانون پیش بینی شده است که بهر ورقه هویتی يك قران تمبر الصاق شود و در موقع اجرای این قانون البته از این قانون را تأمین میکنند

يك اعتباری با اعتبار عوائد خود سجل احوال با اختیار وزارت داخله میگذارد عوائد مدنی میشود و موازیه بودجه راهم بهم نمیزند و اجرای فوری این قانون راهم تأمین می کند و اگر بعقیده منظر عوائد مدنی خود قانون بشویم شاید این زودی موفق باجرای قانون نشویم

مخبر - این پیشنهاد را کمیسیون هم قبول می کند

رئیس - چون کمیسیون قبول کرد رای قطعی میگیریم

نظر باینکه بفرورت میخواستیم این قانون را بشناییم با این پیشنهاد موافق هستیم البته خود سجل احوال يك عوائد مدنی خواهد داشت

چون در قانون پیش بینی شده است که بهر ورقه هویتی يك قران تمبر الصاق شود و در موقع اجرای این قانون البته از این قانون را تأمین میکنند

يك اعتباری با اعتبار عوائد خود سجل احوال با اختیار وزارت داخله میگذارد عوائد مدنی میشود و موازیه بودجه راهم بهم نمیزند و اجرای فوری این قانون راهم تأمین می کند و اگر بعقیده منظر عوائد مدنی خود قانون بشویم شاید این زودی موفق باجرای قانون نشویم

مخبر - این پیشنهاد را کمیسیون هم قبول می کند

رئیس - چون کمیسیون قبول کرد رای قطعی میگیریم

آقایان موافقین با این ماده که ماده سی و پنج میشود قیام فرمایند (اغلب برخواستند)

رئیس - تصویب شد يك ماده دیگری پیشنهاد شده است (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای طهرانی - ماده الحاقیه این قانون شامل کلیه اتباع داخله که در خارج سکنی دارند بوده و مأمورین دولت در خارج مکلف هستند مطابق مواد این قانون رفتار و اقدام نمایند

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - اینجا پیش بینی نشده است که اگر فرضاً يك نفر از اتباع داخله فوت کرد یا ازدواج نمود کی بر کذا رایت هم دارد و اختصاص دادن منتهای عوائد خود سجل احوال برای مخارج آن بعقیده بنده کافی نیست بهتر این است که مخارج سجل احوال جزء بودجه عمومی بیاید و مخارج آنرا وزارت مالیه بپردازد و عوائدش هم برود

بخوانه مملکتی و این ترتیب راحت تر است این طور که آقای مصدق پیشنهاد کرده اند اسباب این میشود که مدتی تشکیلات سجل احوال تعویق بیفتد و به عقیده بنده این اعتبارات آنها کافی نیست

معاون وزارت داخله این مصارف در جزء بودجه امسال پیش بینی شده است ولی چون اصل بودجه موافق نظر وزارت مالیه نباید از حدود اعتبارات پارسل تجاوز کند و اینهم برای امسال خرج اضافی است و

نظر باینکه بفرورت میخواستیم این قانون را بشناییم با این پیشنهاد موافق هستیم البته خود سجل احوال يك عوائد مدنی خواهد داشت

چون در قانون پیش بینی شده است که بهر ورقه هویتی يك قران تمبر الصاق شود و در موقع اجرای این قانون البته از این قانون را تأمین میکنند

يك اعتباری با اعتبار عوائد خود سجل احوال با اختیار وزارت داخله میگذارد عوائد مدنی میشود و موازیه بودجه راهم بهم نمیزند و اجرای فوری این قانون راهم تأمین می کند و اگر بعقیده منظر عوائد مدنی خود قانون بشویم شاید این زودی موفق باجرای قانون نشویم

مخبر - این پیشنهاد را کمیسیون هم قبول می کند

رئیس - چون کمیسیون قبول کرد رای قطعی میگیریم

رئیس - چون کمیسیون قبول کرد رای قطعی میگیریم

فرمایند (معمود برخواستند)

رئیس - قابل توجه نشد

مداکرات راجع بکلیات قانون است

آقای آقا سید یعقوب - بنده تعقیب فرمایش آقای مغیر در این پیشنهاد آقای طهرانی خیلی جدید دارم زیرا قانون سربازگیری که الان مطرح می شود یکی از موادش این است که اتباع ایران که در خارج هستند باید مأمورین وزارت خارجه بآنها اطلاع بدهند

بنده مخالفت از نظر مغالفت در کلیات نیست مخالفت از این راه است در صورتی که قانون سربازگیری شامل آنها میشود چه طور مأمورین سجل احوال نباید اطلاع داشته باشد

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده خواستم سؤال کنم که ماده پنج سابق در این قانون باقی است یا نه؟

رئیس - ماده پنج کدام قانون؟

داور - ماده پنج راجع رایت اول

رئیس - رای گرفته میشود

رئیس - تصویب شد

پیشنهاد آقای حائری زاده قرائت می شود (بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم قانون میزبانی جزء دستور به ساز قانون سجل احوال (بشرح آتی خوانده شد)

رئیس - آقای حائری زاده - آقایان تصدیق می - فرمایند که احتیاج مردم به میزبانی کمتر از احتیاج نظام اجباری نیست و اگر احتیاج مردم بآن قانون بیشتر باشد کمتر نیست

بعلاوه مدتی است لایحه میزبانی طبع و توزیع و آقایان کاملاً آن را مطالعه فرموده اند بعلاوه بنده راجع بقانون نظام اجباری يك نظرهای اصلاحی داشتم و خیلی میل داشتم که در خارج با آقای رئیس الوزراه مذاکره شود که دیگر در مجلس در اطرافش مذاکرات زیادی نشود و چون تازه این لایحه بدست بنده رسیده است و کاملاً نظرهای لازمه را در آن نکردم استعدا دارم که قانون میزبانی فعلاً جزء دستور شود که راجع با اصلاحات قانون نظام اجباری در خارج مذاکره شده بعد جزء دستور شود و اگر آقایان عقیده ندارند و میخواهند امروز جزء دستور باشد بنده ناچارم نظریات اصلاحی خود را بعنوان

مخالفت اظهار کنم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - خود آقای حائری زاده هم تصدیق می فرمایند که تأمین استقلال و دارائی سکنه يك مملکت بوسیله قشون می شود

قشونهم تأمین و تکمیل نخواهد شد مگر بوسیله يك قانونی که اسمش قانون نظام اجباری است

امروز هم آن قانون جزء دستور است و در جلسه گذشته هم مجلس قبول کرده است که جزء دستور باشد بنابراین تصور می کنم باید همان ترتیب که مجلس قبول کرده است امروز جزء دستور شود و اگر آقای حائری زاده هم مطالبی دارند اظهار کنند اجاب داد شود

رئیس - رای می گیریم بپیشنهاد آقای حائری زاده

آقایان موافقین قیام فرمایند (معمود برخواستند)

رئیس - تصویب شد

قانون نظام اجباری مطرح است

اول

(اینطور خوانده شد)

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون کلیه اتباع ذکور دولت ایران اسم از اسکنه شهرها و قصبات و قرآه و ایلات و متوقین در خارج از ایران از اول سن بیست و يك سالگی مملکت بخدمت سربازی می - باشند مگر در مواردیکه بر طبق این قانون مستثنی شده باشند

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - مرام باصل دولت دوتا است

بنده آرزو دارم تمام افراد این مملکت آسوده شوند و ورزش بدنی آنها تکمیل شود و از این ضنف اصحاب نجات پیدا کنند و البته یکی از قدمها نظام اجباری است و البته از این راه يك ورزشهای بدنی بآنها داده می شود

البته این آرزوی بنده است ولی باید دید در موقع عمل در يك مملکتی که يك جماعتی برای يك ضغلی داوطلب هستند و يك عده مشغول کارو کسب دیگری هستند و کراهت دارند از آن ضغل چه لزومی دارند که ما بیاییم و بر خلاف رضایت يك دسته آنها را وارد آریان کار کنیم

در دوره چهارم مجلس آقا سید حسن خان نماینده بلوچ گله ای که از دولت داشت این بود که چرا از افراد بلوچ استخدام نمیکند و می گفت باها مواجب و حقوقی نمی دهند که ما بیاییم خدمت کنیم بیایان و صحرائی که ما در آنجا زندگی می کنیم افراد ما را کاملاً رشیده و جنگی تربیت می کنند و چون مدارس و صنایعی

مخالفت اظهار کنم